امید صلح

هفته نامه سیاسی - اقتصادی

دوشنبه ۱۲ شهریور ماه ۱۳۹۷ / شماره هفدهم- سال دوم

قیمت ۲۰۰۰ تومان

«امید صلح» در گفتگو با کارشناسان بررسی کرد؛

بانکداری اسلامی؛ واقعی یا صوری؟

- بنی طبا، کارشناس بانکداری: در ایران بانکداری اسلامی به شکل صوری اجرا شده است
- یک کارشناس اقتصادی: قانونگذاران ما باید در وهله اول تعریف دقیق خود را از ربا ارائه دهند
- تقوی، کارشناس اقتصادی: الگوی بانکداری اسلامی ما با بانکداری دیگر کشورها تفاوتی ندارد

صوفی، وزیر دولت اصلاحات در گفتگو با «امید صلح» مطرح کرد:

اعلام برائت اصلاح طلبان از حسن روحانی!

- واعظی به دنبال جدایی روحانی از جهانگیری است
- رییس دفتر روحانی می‌خواهد لاریجانی رییس جمهور شود

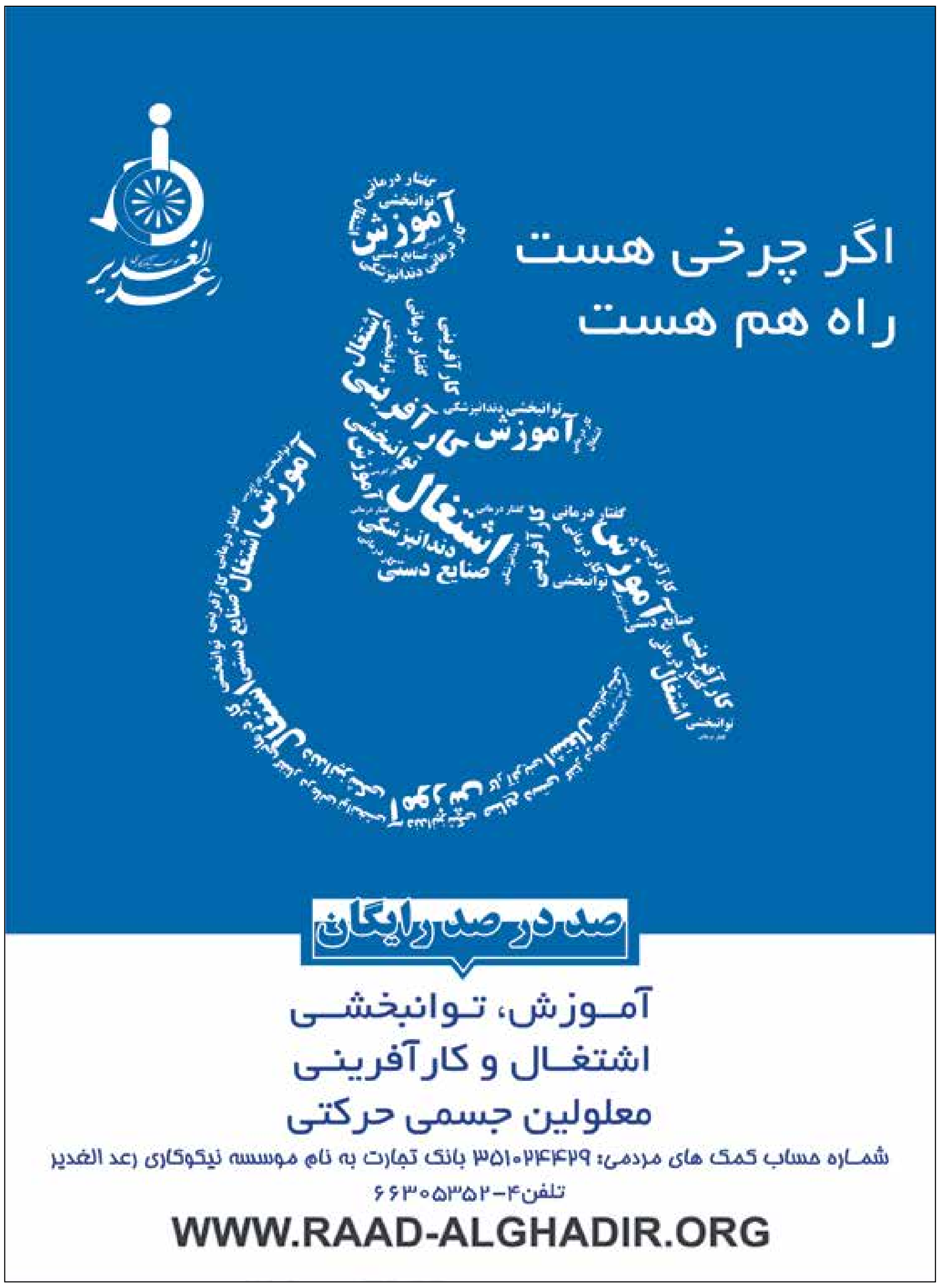

صوفی، وزیر دولت اصلاحات در گفتگو با «امید صلح» مطرح کرد:

اعلام برائت اصلاح طلبان از حسن روحانی!

واعظی به دنبال جدایی روحانی از جهانگیری است

رییس دفتر روحانی می‌خواهد لاریجانی رییس جمهور شود

«اصلاح طلبـــان از روحانی اعلام برائت می‌کنند» این خلاصه‌ای از سخنان گلایه آمیز علی صوفی، وزیر دولت اصلاحات از حسن روحانی است که در گفتگو با «امید صلح» مطرح کرده است.

این عضو شـــورای عالی سیاستگذاری اصلاح طلبـــان، ناکارآمدی دولت را علت این اعـــلام برائت می‌دانـــد و می‌گوید: اصلاح طلبان حداقل بـــا اعلام برائت از آقـــای روحانی می‌توانند بـــه مردم این علامت را بدهند که با این درد و رنجی که می‌کشید همراه هستیم و مقابل دولت با خاطر مشکلات ایجاد شده موضع داریم.

وی در عیـــن حال معتقد اســـت: اصلاح طلبان چه بخواهند چه نخواهند عملکرد آقای روحانی به پایشان نوشته می‌شود.

وزیر دولت اصلاحات همچنین استیضاح وزرا را به نفع دولت نمی‌داند.

او از واعظی رییـــس دفتر رییس جمهور هـــم گلایـــه دارد و می‌گویـــد: واعظی تـــلاش می‌کنـــد رییس جمهـــور را به اصولگرایان نزدیـــک و از اصلاح طلبان دور کند.

■ با توجه به انتقادهایی که کارشناســـان نســـبت به تیم اقتصادی دولت داشته‌اند و نارضایتی شـــخص رییـــس جمهور از این تیم درحالی که انتظار می‌رفت آقای روحانی شخصاً تغییر کابینه را در دستور کارش قرار دهد اما گویا این مســـوولیت را بـــه مجلس واگذار کرده اســـت. علت کوتاهی رییـــس جمهور در این خصوص چیست؟

مشخص است که کار رییس جمهور درست نیســـت. آقای روحانـــی کابینـــه ناکارآمدی تشکیل داده است که اول مورد انتقاد اصلاح طلبان و همه کســـانی قرار گرفت که دست اندرکار مسسائل اجرایی بوده‌اند. آقای روحانی بعد از انتخابات با چرخشی که داشت این کار را انجام داد. اقدام ایشان نه تنها عجیب و مغایـــر با تعهداتی بود که ایشـــان در جریان انتخابات مطرح کردنـــد بلکه با ویژگی‌های جامعه رأی آقای روحانی نیز مغایرت داشت. در حالیکه ایشان می‌گفت همه کابینه باید از ۲۴ میلیون رأی باشد. بعد هم خودش شروع به اعلام نارضایتـــی از کابینه‌اش کرد؛ اینکه عده‌ای در دولتش انگیزه‌ای برای کار کردن ندارنـــد و با صراحت هم درباره تیم اقتصادی خودش مطرح کرد که نمی‌تواند مشکلی حل کند و باید این تیم تغییـــر کند. همه اینها از طرف آقای روحانی و اطرافیانش شنیده شده است. حتی رییس دفتر آقای روحانی و معاون اول ایشـــان گفتند که تغییراتی در راه است و این تغییرات بیشـــتر متوجه تیم اقتصادی دولت است.

■ چرا خـــود آقای روحانـــی تغییرات را اعمال نکرد؟

عجیب همین جاســـت که آقـــای روحانی از این حرفها می زند اما بعداً هیچ اقدامی انجام نمی‌دهـــد. فقط یک انتظـــاری در جامعه به وجود می‌آورد. شاید فکر می‌کند با حرفهایی که میزند می‌تواند امیدی در مردم ایجاد کند تا نارضایتی را کاهش دهد و مردم را امیدوار کند به اینکه تغییراتی در راه است و می‌تواند پاســـخگوی مطالبات مردم و رافع مشکلات موجود باشد. فقط امید ایجاد می‌کند اما بعداً دســـت به اقدام نمی‌زند. برای همین مجلس دست بکار شد.

■ ممکن اســـت واگذاری استیضاح‌ها به مجلس با انگیزه انتخاباتی صورت گرفته باشد؟

نمی‌تواند اینگونه باشـــد. آقای روحانی چنین ایثاری ندارد که بخواهد دولتش را زیر سؤال ببرد و منفعل نشـــان دهد و مجلس را قوی نشان دهد.

فضای امروز جامعه خیلـــی متوجه این قبیل اقدامات نیســـت. مردم نتیجه گرا هســـتند و می‌خواهند ببینند برای رفع نابســـامانی‌های موجـــود که بحران زاســـت و ادامه این وضع قابل قبول نیست چه اقدام عملی می‌خواهند انجام دهند. این اســـت کـــه من این فرضیه تبانی دولت و مجلس را قبول ندارم. مشکل آقای روحانی این اســـت که حرف میزند اما عمل نمی‌کند. مثلاً در طرح ســـؤال از رییس جمهور؛ آقـــای روحانی گفتند» دســـت‌های پشـــت پرده را رو می‌کنـــم» اما هیچ اقدامی نکرد یا نامه‌ای که به رییس مجلس نوشـــت و گفت که اقدام مجلس غیر قانونی اســـت و من به مجلس می‌آیم و خیلی چیزها را افشـــا می‌کنم. این‌ها حرفهایی بود که ایشان زده اما وقتی به مجلس می‌رود برعکس عمل می‌کند البته قبلاً هم این کارها کرده است. در ابتدای کارش در بدو ورود به دولت در سال ۹۲ هم می‌گفت من ۱۰۰ روز دیگر می‌آیم می گویم چه چیزی را تحویل گرفتم اما بعد وقتی مورد حمله مخالفانش قرار گرفت درباره اینکه چه چیزی را تحویل گرفته است صحبتی نکرد.

■ نمایندگان فراکسیون امید اگرچـــه تصمیم نداشـــتند فراکسیونی مقابـــل رییس جمهور بایســـتند اما اعضای آن کاملاً مقابل رییس جمهـــور صـــف آرایی کردند

■ دولت و فراکســـیون امید مجلس هم دیگر ارتباط صمیمی گذشته را ندارند.

همینطور اســـت. ببینید در ســـؤال از رییس جمهـــور ۸۰ نفـــر از ایشـــان ســـؤال کردند امـــا در رأی گیـــری دربـــاره قانع شـــدن یا نشـــدن از پاســـخ‌های روحانی ۱۹۰ نفر رأی منفـــی می‌دهند؛ این نشـــان می‌دهد از همه فراکسیون‌ها حتی مســـتقلین هم که بشدت طرفدار دو آتشه رییس جمهور هستند در رأی منفی مشارکت داشتند. فراکسیون امید اگرچه تصمیم نداشـــتند فراکســـیونی مقابل رییس جمهور بایســـتند اما اعضای آن کاملاً مقابل رییس جمهور صف آرایی کردند.

■ در این شرایط استیضاح‌ها به نفع دولت تمام می‌شـــود. به عبارت دیگر نیروهای کارآمد جای نیروهای فعلی را می‌گیرند؟

نه هیچگاه استیضاح به نفع دولت نیست. بعید مـــی دانم؛ دولت باید خودش فعال باشـــد نه اینکه منفعلانه دســـت به اقدامی بزند. آقای روحانـــی در حرفهایش اشـــکال را بر دولت وارد نمی‌کند. ایشـــان مردم را مقصر قلمداد کرده اســـت. درباره علت گرانی ارز نگفته چه تصمیماتی دولت گرفته اســـت و به خاطر آن تصمیمات من از مـــردم عذرخواهی می‌کنم. خودش هم می‌داند تصمیم غلط گرفته است. یک جریانی در ستاد انتخاباتی آقای روحانی در سال ۹۲ به دنبال این بود که ارز باید گران شود و نرخ ارز واقعی شود. دولت این تصمیم را در زمان حساسی گرفت که اوج اعتراضات مردم بود. در حالی که مردم از گرانی ناراحت بودند دولت آقای روحانی هم به گرانی دامن زد و با مردم لجبازی کرد. اینکه ایشان علت را نارضایتی‌های ۵ دی مـــاه معرفی می‌کند دو وجه دارد؛ یک وجه مردم هســـتند و یک وجه دیگر بانیان آن هســـتند که رقبا بانی آن بودند و اعتراضات از مشهد کلید خورده است. تمام ســـعی دولتی‌ها این بود که ثابت کنند این اعتراضات از طرف رقبای آنها بوده است و اینکه چه کســـانی چه کارهایی انجام دادند اما کار از دستشان دررفته است. وجه دوم آن مردم هستند. اما دولت اوضاع را بدتر می‌کند تا گردن اعتراضات ۵ دی بیاندازد.

■ در حـــال حاضر بین اصـــلاح طلبان و دولت هم اختلاف پیش آمده است؟

بله. اصـــلاح طلبان نمی‌تواننـــد از این رویه دولت دفـــاع کنند ما منتقـــد رییس جمهور هستیم.

■ فکـــر نمی‌کنید این به زیـــان جریان اصلاحات تمام می‌شود؟

نه. اصلاح طلبان چـــه بخواهند چه نخواهند عملکـــرد آقای روحانی به پایشـــان نوشـــته می‌شود. البته اگر می‌توانستند ایشان را مجاب کنند تغییر مسیر دهد و اصلاحاتی در کارش و دولتـــش انجام دهد قطعاً بهتر بود اما وقتی آقـــای روحانی راه خودش را می‌رود و علتش هم اطرافیانش هســـتند فایده نـــدارد. این‌ها اساساً سعی می‌کنند آقای روحانی را از عقبه خود یعنی اصلاح طلبان جدا کنند.

■ این خط دهی از ســـوی چه کســـانی است؟

آقای واعظی یکی از این افراد اســـت. آقایان نوبخت و مرتضی بانک اینگونه نیســـتند. اما آقـــای واعظی تا الان مواضـــع خیلی غلطی علیه اصلاح طلبان و اوضاع سیاســـی کشور داده اســـت. ایشـــان تـــلاش می‌کند رییس جمهور را به اصولگرایان نزدیک و از اصلاح طلبان دور کند.

قبلاً هم ابراز نگرانی شـــده است که رییس دفتـــر رییس جمهور چـــکار می‌کند. واعظی عمداً از وزارتخانه به دفتر ریاست جمهوری آمده اســـت تا نقش آقـــای جهانگیری را کم رنـــگ کند این رفتار صـــدای اصلاح طلبان را در آورده امـــا آقای واعظی حاضر نیســـت این را بشـــنود. به هرحال آقای روحانی باید در اطـــراف خود تغییراتی ایجاد کند و افرادی را بیاورد که با ۲۴ میلیون رأی همســـو باشد. متاســـفانه ما این تغییر رویکـــرد را در آقای روحانی نمی‌بینیم. این جویی اســـت که یک فرد در اطراف ایشـــان ایجاد می‌کند یا دیگر افراد آدرس غلـــط به آقای روحانی می‌دهند. ایشان همیشه حرفهایی که میزند روی همین آدرس‌های غلط است. درحالی که این حرفها نه مردم را قانع می‌کند و نه مجلس را. آقای روحانی احساس می‌کند با این رفتار می‌تواند نظر مخالفیـــن خود را جلب کند اما در اینکار هم موفق نیســـت. آقای روحانی با حرفهایی که میزند هیچ کس اقناع نمی‌شـــود. این چه منطقی اســـت که حرفهایی زده می‌شـــود یا آدرس‌هایی داده می‌شود که هیچ کس قبول نمی‌کند. رییس جمهور نباید فریب این افراد را می‌خورد.

■ با توجه به اینکه در نهایت فاصله دولت و بدنه اجتماعـــی آن به زیان هردو طرف تمام می‌شود، اصلاح طلبان چه برنامه‌ای برای از بین بردن این فاصله دارند؟

قطعاً همینطور اســـت، اما با وجود افرادی که ۲۴ ساعته با آقای روحانی هستند راهی برای اصلاح طلبان و فراکسیون امید نمانده است. کســـی باید نزدیک آقای روحانی باشد تا در حیطه خصوصی ایشان بنشیند وحرفهایش را بزند و آقای روحانی بپذیرد.

■ مگر آقای جهانگیری به عنوان نماینده جریان اصلاحات به آقای روحانی نزدیک نیست؟

نه، اصلاً اینطور نیســـت. آمدن آقای واعظی به دفتر آقای روحانی برای این بود که آقای جهانگیـــری را از رییـــس جمهـــور دور کند. در حالـــی که آقای جهانگیـــری در انتخابات ایثار کرد و کاندیدا شـــد تا به ایشـــان کمک کند اماعملا ایـــن کار باعث بغض اطرافیان آقای روحانی شـــد و از وجود ایشان احساس خطر کردند؛ چراکه فکر کردند شـــاید آقای جهانگیری در انتخابات ۱۴۰۰ بتواند کاندیدا شود! امثال آقای واعظی دوست ندارند اصلاح طلبـــان روی کار بیایند. آن‌ها بیشـــتر راغب هســـتند با اصولگرایان مثلاً آقای لاریجانی ببندنـــد بنابراین از وجود آقـــای جهانگیری نگران هستند و سعی می‌کنند جایگاه ایشان را در دولـــت تقلیل دهند و اثـــرش را از بین ببرند.

آنچیزی که مشـــاهده می‌شـــود این اســـت بنابراین اصلاح طلبان کاری نمی‌توانند بکنند. اصلاح طلبان حداقل با برائت از آقای روحانی می‌توانند به مردم این علامت را بدهند که با این درد و رنجی که می‌کشید همراه هستیم و مقابل دولت با خاطر مشـــکلات ایجاد شده موضع داریم.

■ اعـــلام برائت اصلاح طلبـــان از آقای روحانی همان کاری است که اصولگرایان در دولت دوم آقای احمـــدی نژاد انجام دادند به این امید که در انتخابات ۹۲ سبد رأی خود را حفظ کننـــد اما دیدیم نتیجه معکوس گرفتند. فکر نمی‌کنید رفتار امروز اصلاح طلبان با دولت تکرار همان اشتباه است و به نفع این جریان تمام نمی‌شود؟

نفع اصلاح طلبان این بـــوده که ۲۴ میلیون رأی مردم را داشتند اما الان بشدت از روحانی و به تبع آن از اصلاح طلبـــان هم بریده‌اند. مـــردم نتیجه گرا هســـتند. مانـــدن در کنار دولت به شـــرطی است که دولت کمک پذیر باشـــد. آقای روحانی مشـــارکت پذیر نیست. ایشان الان مقابل مردم قرار گرفته است. در حرفهایش تناقض زیاد اســـت و مثل احمدی نژاد حرف میزند و می‌گوید تحلیل شما غلط است که می گویید بحران داریم. ایشان اصلاً با مخالفینش کاری نـــدارد و می‌گوید از نظر علمی ما هنوز در مرحله آســـیب هستیم و به بحران نرسیده‌ایم. در مجلس دیدیم به جای مردم روی ســـخنش با ترامـــپ و آمریکا بود که آنها از جلسه ســـؤال از رییس جمهور در مجلس ناامید می‌شوند که البته تحلیلش هم اشتباه بود.

مخاطب روحانی باید مردم باشـــد نه آمریکا. ایشان باید بپذیرد مشاورین اقتصادی که در اطرافش هســـتند راه غلط را به ایشان نشان می‌دهند. این‌ها در زمان آقای هاشـــمی هم بودنـــد و آن موقع طرح تعدیـــل اقتصادی را مطرح کردند که منجر به گران شـــدن ارز در سال ۷۲ و بالا رفتن تورم شد. بعد آقا به آقای هاشـــمی تذکر دادند و ایشان هم پذیرفت لذا مسیری که در پیش گرفته بود را اصلاح کرد هرچند که آســـیب هم دیـــد. این‌ها در زمان خاتمی نتوانستند نظرشان را به ایشان تحمیل کنند اما بلافاصله بعد از پیروزی آقای روحانی در کنار ایشـــان قرار گرفتند و راه اشـــتباه را به ایشان نشـــان دادند که در بدترین شرایط اصلاح ارز را انجام دهد. آقای روحانی حداقل باید می‌پذیرفت که اشـــتباه کرده است. حتی من شـــنیدم ایشان خودش هم معترض شده است که نتوانستند شـــرایط را کنترل کنند و ارز را در مـــرز ۵ هزار تومان نگه دارند. وقتی دولت اشـــتباه کرده است روحانی باید بگوید تیم اقتصادی من اشتباه کرده و آنها را برکنار کنـــد. به هرحال آقای روحانـــی هیچ امیدی ایجاد نکرده است.

دولت اگر واقعاً می‌خواهد آسیب نبیند و جلوی آســـیب دیدن مردم را بگیـــرد باید در اطراف خودش تجدیـــد نظر کند و آدمهایی را بیاورد که همسو با مردم باشد.

■ اطرافیـــان روحانی از وجـــود جهانگیری در دولت احســـاس خطر می کنند؛ چون فکر می کنند شاید جهانگیری بخواهـــد در انتخابات ۱۴۰۰ کاندیدا شود!

■ پس شـــما فکر می‌کنید اســـتیضاح‌ها نتیجه خوبی نخواهد داشت؟

بعیـــد می دانم چون مهم این اســـت که چه کســـانی جایگزین شـــوند. مردم نتیجه گرا هســـتند و دنبال طرح‌های فوری هســـتند. اقدامات فوری را بیشتر رییس جمهور می‌تواند انجام دهد اگر مجلس دنبال استیضاح هست مگر چند وزیر را می‌تواند اســـتیضاح کند تازه چه تضمینی هست که بعد از استیضاح شرایط بهتر شود.

■ تغییر در ســـازمان برنامه و بودجه به بهبود شرایط کمک می‌کند؟

سازمان برنامه و بودجه تأثیر فوری درتصمیم گیری‌ها ندارد. به نظر من این سازمان بیشتر در برنامه و بودجه ســـالانه تاثیرگذار اســـت. ضمن اینکه در سال ۹۶ این سازمان در زمان بودجه یک اقدام مثبـــت انجام داد و آن هم شفاف ســـازی بودجه بود. دیدیم اینکار آقای روحانی در فضـــای مجازی هم چقدر بازتاب مثبت داشـــت. به هرحال بیشترین تأثیر این سازمان در زمان تدوین بودجه و در درازمدت و به عبارتی برنامه پنج ساله است.

«امید صلح» گزارش می دهد؛

مدیریت بحران با سونامی تغییر

فرهنگ فتاح

دور اول تحریم ها علیه ایران در حالی آغاز شد که خیلی ها از همان ابتدا نسبت به کارآمدی تیم اقتصادی دولت برای مقابله با شرایط جدید تردید داشتند.

تحریم هایی که بنا بر اذعان کارشناسان اینبار به مراتب سنگین تر از گذشته است چراکه تصویب کنندگان آن قلب اقتصاد ایران را نشانه گرفته اند.

دستوراعمال این تحریم ها اگرچه از سوی مردی صادر شده که تعادل روانی چندانی ندارد و در عرصه بین الملل چهره موجهی به نظر نمی رسد اما تنها به خاطر جایگاهی که دارد دیگران را ملزم به رعایت قاعده و قانونی می کند که بی تردید مخالفان و رقبای ایران دراین راه بیشترین کمک را به او خواهند رساند.

این در حالی است که از ابتدای مذاکرات هسته ای، مقام معظم رهبری بارها بر عهدشکنی و غیر قابل اعتماد بودن آمریکا تاکید داشتند. رهبر انقلاب پس از خروج رییس جمهور آمریکا از برجام یک بار دیگر تاکید کردند که «مجموعه برخوردهای آمریکا از ابتدای مذاکرات هسته‌ای تا کنون، این تجربه مهم را به دست می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران نمی‌تواند با آمریکا تعامل کند، زیرا آمریکا پایبند به تعهدات خود نیست. پایبند نبودن به تعهدات، مربوط به این رئیس‌جمهور و به این دولت آمریکا نیست بلکه دولت قبل هم که با ما مذاکره کرد، تقریباً به همین روش عمل کرد و آنها نیز برجام را نقض و ایران را تحریم کردند.» ایشان همچنین بیان کردند که «در سال‌های اخیر، این درس گرفته شد که گره زدن حل مسائل کشور به خصوص مسائل اقتصادی به برجام و خارج از کشور، یک خطای بزرگ است. هنگامی که ما مسائل اقتصادی و کسب و کار را به برجام گره می‌زنیم، نتیجه این می‌شود که صاحبان کار و سرمایه چند ماه منتظر امضا شدن یا نشدن برجام می‌مانند و بعد از آن هم منتظر اجرا شدن و یا اجرا نشدن آن هستند و سپس نیز منتظر اینکه آیا آمریکا در برجام می‌ماند یا نمی‌ماند و در نهایت دستگاه فعال اقتصادی کشور همیشه معطل خارجی‌هاست.»

اما با وجود این هشدارهای رهبر انقلاب عملکرد تیم اقتصادی دولت در برخورد با شرایط جدید قابل تامل بوده است.

ضعف مدیریتی توان مجریان سیاست های اقتصادی ایران برای فرار از تحریم های جدید آمریکا را با اما و اگر مواجه کرده است

تیمی که از بدو ورودش به دولت صدای اعتراض بسیاری از کارشناسان را در آورد و خیلی ها ضعف و ناتوانی این تیم را برای مقابله با شرایط بحرانی پیش بینی کرده بودند. درواقع مردانی که قرار بود منجی کشور شوند و اقتصاد را از بحران خارج کنند حالا خود تحت تاثیر فضای بیرونی و جوسازی های روانی قرار گرفته اند و گویا بیش از دیگران دچار شوک شده اند.

این شوک نتیجه ای جز سردرگمی اقتصاد ایران و آشفتگی بازار ارز به دنبال نداشته است. وضعیت نامطلوب ارزی که بنا به گفته برخی مقامات مسوول ، به دلیل اعمال سیاست‌های نادرست و غیرکارشناسی رقم خورده و چاره ای هم جز رفع این نقیصه نیست. چراکه این ضعف مدیریتی ، توان مجریان سیاست های اقتصادی ایران برای فرار از تحریم های جدید آمریکا را با اما و اگر مواجه کرده است.

این در حالی است که رییس جمهور آمریکا با صراحت گفته است:

« تمهیدات و تدابیری که در بازگشت تحریم‌ها علیه ایران در نظر دارد به گونه‌ای است که اثر این تحریم‌ها را برای ایران به مراتب بیش‌تر و کشنده‌تر از قبل خواهد کرد».بی شک این اظهارات نه تنها از متفاوت بودن نوع و جنس تحریم های جدید آمریکا بر اقتصاد ایران خبر می دهد بلکه گویای آن است که اینبار دور زدن تحریم ها نیز کار آسانی نیست. لذا برای مقابله با تحریم های جدید که امروز بخش های مالی، نفت و انرژی، گردشگری و حمل و نقل بین المللی ما را نشانه گرفته است به هماهنگی تیمی بستگی دارد که بتواند در اجرای سیاستهای اقتصادی دولت و دور زدن تحریم ها مقتدر عمل کند و این مهم را در نظر بگیرد که کاهش تولید و صادرات نفت ایران در دور جدید تحریم ها آثار اقتصادی و روانی قابل توجهی بر کشور وارد خواهد کرد.

این دغدغه ای است که حامیان دولت تدبیر و امید بیش از منتقدان دولت دارند و معتقدند مقصران وضع امروز اقتصاد کشور را نباید در خارج از تیم اقتصادی دولت حسن روحانی جستجو کرد.

جریان سیاسی اصلاح طلب اگرچه در سالهای گذشته همواره حامی حسن روحانی بوده اند اما امروز نه تنها با گران شدن قیمت ارز منتقد جدی سیاست های اقتصادی دولت هستند بلکه بسیاری از چهره های شاخص این جریان تیم اقتصادی دولت را عامل اصلی وضعیت فعلی می دانند و بر تغییر این ترکیب اصرار دارند .

به باور آنها ترمیم کشتی شکسته اقتصاد کشور هرچند دراین شرایط دشوار به نظر می رسد اما برای کاهش ضعف داخلی و سیستمی اقتصاد ایران باید در دستور کار قرار گیرد.

چراکه با بازگشت دور دوم تحریم‌های آمریکا علیه ایران در آبان ماه سال جاری ، کشور با شرایط سخت اقتصادی - سیاسی و حتی تصمیم‌گیری مواجه می‌شود. بنابراین همانطور که مقام معظم رهبری تاکید کردند که «اقتصاد کشور را از راه برجام اروپایی نمی توان به جلو برد. باید به قدرت اقتصادی اهتمام کرد. قدرت اقتصادی هم با وابستگی به این و آن حاصل نمی شود. تنها تکیه‌ی اقتصاد کشور نباید به ستونی باشد که ممکن است با نعره‌ی مثلاً یک ترامپی بلرزد؛ اینطورنباید باشد. آن ستون مورد اعتماد در اقتصاد کشور بایستی مربوط به درون کشور و داخل کشور باشد، باید اقتصاد ما درون‌زا باشد؛ یعنی همان اقتصاد مقاومتی، که سیاستهایش اعلام شده و باید دنبال بشود.»به هرحال تجربه نشان داده برای عبور از این گذرگاه سخت نباید به تلاش کشورهای اروپایی، چین و روسیه دلخوش کرد تا شاید اقدامات آنها بتواند مانع تاثیرات قابل توجه و مهم بازگشت تحریم‌های آمریکا بر اقتصاد ایران شود!

مدیریت بحران اقتصادی نیازمند تغییر تیم و تفکری است که فرماندهی اقتصاد ایران را بر عهده دارند

آنچه حائز اهمیت است ؛ تغییر تیم و تفکری است که فرماندهی اقتصاد ایران را بر عهده دارند و قرار است پاسخگوی مطالبات مردم باشند.

اقتصاد بیمار و راه های تکراری

دکتر علی اکبر عین اللهی*

اقتصاد ایران، اقتصادی تک محصولی و وابسته است که با هر فشار از خارج دچار بحران می شود. این مربوط به امروز و فردا نیست بلکه یک امر ساختاری و بنیادی است. تا زمانی که اقتصاد ایران نتواند به روابط درونی خود سامان دهد تا در سایه آن توان تولید برای دستیابی به حداقلهای معیشت را داشته باشد، توان مقابله با بحران را نخواهد داشت. اما متاسفانه تصمیم سازان کشور در طی ادوار مختلف برای حل بحرانها تصمیمات مشابهای را گرفته اند. در این مقاله نحوه برخورد دورههای مختلف که بسیار شبیه هم است بیان می شود. پیش از پرداختن به این موضوع باید متذکر شوم مسئولان به جای مبارزه با علت با معلول مبارزه می کنند و این چرخه تکرار مکررات است.

در سال ۱۲۸۴ در بحبوحه جنگ روسیه و ژاپن، قند در ایران گران شد. عینالدوله - صدر اعظم، به علاءالدوله - حاکم تهران، دستور میدهد که بازرگانان را تحت فشار قرار دهد و از آنان اقرار نامه بگیرد مبنی بر ارزان کردن قند. بازرگانان علت را نیامدن قند به ایران اعلام می کنند و دولت به جای آنکه به آنان برای تسهیل واردات قند کمک کند، بازرگانان را به فلک می بندد تا درس عبرت برای مردم شود. کسروی این داستان را در کتاب مشروطه در صفحه های ۵۷ تا ۶۰ آورده و آن را یکی از زمینههای انقلاب مشروطه بر شمرده است.

در دوران رضا شاه هم برای مبارزه با کمبود آرد از همین روش استفاده شد و با داستان سازی وانمود کردند که مشکل حل شده، ولی کمبود از شهری به شهر دیگر میرفت و حکومت به جای حل مشکل که افزایش تولید بود، نانواها را مجازات می کرد. در زمان محمدرضا شاه هم مبارزه با گرانی با ایجاد نهادهایی که امروز هم هنوز هستند، با فشار به اصناف و مجازات آنها ادامه داشت که داستان آن جالب است.

افزایش قیمت‌ها ازسال۱۳۵۰ در ایران آغاز شد؛ به طوریکه مسئولان رژیم پهلوی از جمله امیرعباس هویدا به آن اشاره کرده اند. هویدا در ۱۷ مهر ۱۳۵۲ اعلام کرد که قیمت‌ها باید به سطح اول خردادماه بازگردد و دولت برای مبارزه با گرانفروشی، جمعیتی به نام جمعیت حمایت ازمصرف کننده تشکیل داد.

اما با تمام این اقدامات، تغییری دراوضاع حاصل نشد. شاه خود رسماً اعلام کرد که اگر دولت در مبارزه با گرانفروشی موفق نشود، ارتش عهده دار این کار خواهد شد. به همین خاطر شاه اصل چهاردهم را که مبارزه با گرانفروشی و کنترل قیمت‌ها بود به انقلاب سفید اضافه کرد، اما گشایشی حاصل نشد.

روند افزایش قیمت‌ها در روزهای نزدیک به شروع به کار مجلس بیست و چهارم همچنان سیر صعودی داشت. قیمت اتومبیل‌های وارداتی ۴۰درصد افزایش یافت؛ اتومبیل پیکان ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ تومان گران شد و قیمت کالاهای مصرفی در چهار ماه اول سال ۱۳۵۴ بیست وپنج درصد افزایش یافت. به دستور شاه برای مبارزه با گرانفروشی، یک ستاد ویژه تشکیل شد.

این ستاد اختیارات وسیعی مانند حبس و تبعید و جریمه داشت و در ستاد بازرگانی مستقر شد. به دنبال این مسأله، مبارزه با گرانفروشی شدت یافت و دولت برای کاستن از نارضایتی مردم دست به یک سری اقدامات گسترده زد. اگرچه در این مبارزه به سراغ برخی دانه درشت‌ها هم رفت، اما فشار اصلی بر دکانداران و مغازه داران خرده فروش بود که اجناس را گران می‌خریدند و به ناچارگران می‌فروختند.

با توجه به دستور شاه، بگیر و ببندهای گسترده‌ای صورت گرفت که چون سطحی و روبنایی و غیر اصولی بود، نه تنها مشکلی راحل نکرد بلکه زمینه‌های نارضایتی سیاسی و اجتماعی را در بین اقشار مختلف مردم و بازاریان ضعیف و خردهپا فراهم و ناکارآمدی اقتصادی رژیم پهلوی را فراهم کرد؛ به طوری که بسیاری از کارشناسان امور اقتصادی، آن را ازعوامل اصلی سقوط رژیم پهلوی دانسته‌اند.

در پنجم مرداد ۱۳۵۴ حبیب‌الله القانیان - صاحب ساختمان پلاسکو، را بازداشت و به زندان بوشهر انتقال دادند. هفتم مردادماه همان سال حمید اخوان کاشی، صاحب سوپر استورهای تهران، به علت عدم ارائه کالاهای موردنیاز عمومی و گرانفروشی و تقلب در عدم ارائه فاکتور، بازداشت وبه طبس تبعید شد. هشتم مرداد، مهندس نجفی - مدیرکل سابق صنایع ومعادن اصفهان، و محمدمانی - شهردار سابق اصفهان، را که کارخانه آجر فشاری دایر کرده بودند، به جرم گرانفروشی بازداشت کردند. در همین روز، اصغر حدادزاده - نماینده شرکت اتومبیلسازی تویوتا، به جرم گرانفروشی زندانی شد و با فاصله کوتاهی و به دنبال فرمان مبارزه با گرانفروشی، منصور یاسینی، محمدفولادی، محمدرضا سعادت فرد و عباس تیموری - نایب رئیس و اعضای هیأت رئیسه اتاق اصناف پایتخت، از سمت خود عزل شدند و کلیه ناظران صنفی تهران که تعداد آنان متجاوز از ۲۰۰۰ نفر بود، برکنار شدند. حتی دکتر عبدالحسین نوایی - استاد تاریخ که رئیس سازمان کتاب‌های درسی ایران بود، به همراه سه نفر از همکارانش به‌علت قصور در انجام وظیفه که منجر به افزایش بی‌رویه قیمت کتاب‌های درسی بودند، از کار برکنار و تحت نظر قرار گرفتند. محمد وهابزاده - مدیرعامل شرکت بی. ام. و، به اتهام تهیه فاکتورها و اسناد جعلی برای فروش اتومبیل به قیمت گزاف بازداشت شد. حتی یک نماینده مجلس به جرم گرانفروشی و اخلال درتوزیع ارزاق، به مشکین شهر تبعید شد و احمد ضرابیان - مسئول توزیع سیمان اصفهان، به جرم اخلال در توزیع و تخلف از نرخ رسمی به دو سال زندان محکوم شد. رژیم شاه به جای بستر سازی برای افزایش تولید و فایق آمدن بر تورم ناشی از کمبود کالا، به بگیر و ببند رو آورد که یک رویه سنتی در ایران بود.

رژیم شاه با سیاستهای شتاب زده باعث شد که جمعیت شهرها افزایش پیدا کند و به تبع این افزایش جمعیت شهری، تقاضا هم افزایش پیدا کرده بود. جا داشت با افزایش قیمت نفت، این رژیم به افزایش تولید رو میآورد، ولی با تعلل در این امر باعث یک بحران شد. حال رژیم به جای درمان امور، با معلول که گرانی بود، مبارزه میکرد. از طرف دیگر به جای تلاش برای جبران این کاستی، به مجازات فعالان اقتصادی پرداخت.

مرحله بعد در مبارزه با گرانی در ایران با شروع انقلاب اسلامی آغاز شد که البته بخشی از آن زیادی خواهی بعضی از فعالان اقتصادی بود، اما عمده این گرانیها کمبود واقعی کالا بود. باز مسئولان به جای تلاش برای جبران این کمبود، به مجازات فعالان اقتصادی روی آوردند.

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، کمبود کالا نمود بیشتری پیدا کرد. البته تصمیم دولت در سهمیه بندی کالاهای اساسی توانست از التهاب آن بکاهد، ولی زیاده روی در این زمینه باعث آسیب دیدن بعضی فعالان اقتصادی شد. پس از پایان جنگ، دولت با آزادسازی اقتصادی و کمک گرفتن از سرمایه مردمی و صدور مجوز فعالیت به بخشهای مختلف اقتصادی توانست در کوتاه مدت وضعیت اقتصادی را سامان دهد، ولی باز با افزایش مصرف و عدم توانایی اقتصاد برای پاسخ دادن به این افزایش مصرف، ایران دچار مشکل شد و باز داستان بگیر و ببند شروع شد.

در طی سالهای گذشته و مدیریت دولتهای وقت، همچنان این بحران پا بر جا بوده است. صرف نظر از حضور عدهای سودجو و فاسد در نظام اقتصادی، علت اصلی مشکل، کاستی در تولید و افزایش مصرف بوده است، ولی به ناحق، فعالان اقتصادی هدف قرار گرفتند و به جای کاستن از بحران، با مجازات با به جای این قشر، بحران تشدید شد.

تمام این وقایع به ما این حقیقت را بازگو می کنند که هرگاه ما به علل مختلف اجتماعی و فرهنگی دچار افزایش مصرف در جامعه شدیم، چون توان افزایش تولید نداشته و دچار بحران میشویم، به جای مبارزه با کمبود و تلاش برای پر کردن فاصله مصرف و تولید، راه بیراهه رفته و همدیگر را متهم می کنیم. داستان تکراری «هرکس زور داشت، آن را که بی پناه بود به میز مجازات می کشد».

*کارشناس اقتصادی

«امید صلح» در گفتگو ب

بانکداری اسلامی

بنی طبا، کارشناس بانکداری: در ایران بانک
یک کارشناس اقتصادی: قانونگذاران ما باید د
تقوی، کارشناس اقتصادی: الگوی بانکداری اس

فاطمه دیانی

بانکداری اسلامی اگرچه از ابتدا با مشکلات و چالش‌های فراوانی مواجه بوده اســت اما طبق آمار ارائه شده هم اکنون در جهان بیش از صد نوع بانک اسلامی وجود دارد. این ایده و شیوه بانکــداری که برای اولین بار در ســال ۱۹۵۰ مطرح شــد حالا با پیشرفت‌هایی که در زمینه علمی، فنــاوری و اطلاعاتی جهــان به وجود آمده دســتخوش تغییرات قابل توجهی شــده اســت. به طوری که بانکداری اسلامی امروز رقابــت تنگاتنگی با بانک‌های ســنتی دارد و بنا بر اذعان کارشناســان؛ مشکلات این شیوه بانکــداری با وجود تحول‌هــای کمی و کیفی که به ویژه در ســال‌های اخیر در کشــورهای اســلامی صورت گرفته، با تجویز روش‌هایی چون عقدهای مبادله‌ای، صکوک اســلامی و عملیات خرید دین و غیــره، تا حدودی از بعد نظری برطرف شــده است هرچند که در عمل، کشورهای اسلامی از جمله ایران هنوز با برخی از این مشکلات مواجه‌اند.

با این وجود به باور کارشناســان اقتصادی در جهان امروز بانکداری اســلامی توانسته است خــود را به عنــوان یک سیســتم مالی مقتدر مطرح کند. اکنون در بسیاری از کشورها، اعم از مســلمان و غیرمسلمان، نه تنها بانکداری و مالیه اســلامی در کنار نظام بانکی متداول در حال فعالیت اســت، بلکــه در برخی موارد نیز پیشرو بوده است.

در همین راســتا در ایران نیز قانون بانکداری اســلامی در ســال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و براســاس آن بانک‌ها ملزم شدند در مدت سه ســال تمام عملیــات بانکی خــود را در قالب بانکداری بــدون ربا انجام دهند. مصوبه‌ای که البته انتقادهای جدی به دنبال داشته است. به طوری که برخی کارشناســان خواهان اصلاح آن هستند و معتقدند باید متناسب با شرایط روز قانون جدیدی نوشته شود و برای رفع نواقص موجود در این قانون، بانکداری اســلامی دیگر کشــورها مورد توجه قرار گیرد. قطعاً پرداختن به این موضــوع الگوبرداری کامل از بانکداری اســلامی آنها نیست، لذا اســتفاده از تجربیات دیگر کشــورها می‌تواند راهگشــایی در طرح تحول نظام بانکی کشور باشد و تا حد زیادی از ابهامات و مشکلات موجود بکاهد.

ضرورت اصلاح قانون نظام بانکی

در همین رابطه یک کارشــناس بانکداری به «امید صلح» گفته اســت: مهم‌ترین اشکال به وضعیــت نظام بانکداری کشــور به قانونی باز می‌گردد که در سال ۱۳۶۲ تصویب شده است. البته علاوه بر قانون مذکور ایراداتی به مسائل مدیریتی هم وارد است؛ چراکه ضعف مدیریت باعث شده مسائل سیاســی در سیستم بانکی نفوذ پیدا کند و این سیستم را تضعیف کند.

وی تاکید کــرد: در حال حاضــر علت اصلی وجود ضعف در نظام بانکداری ما قانونی است که گفتم باید اصلاح شــود. در نظام بانکداری ما وقتی به بانکداری بدون ربا تاکید می‌شــود قانونگــذاران باید در وهلــه اول تعریف دقیق خــود را از ربا ارائه دهند و اینکه ربا با بهره چه تفاوتی دارد؟

این کارشناس با این سؤال که مگر می‌شود اثر تورم را در تعیین ســود بانکی در نظر نگرفت؟ ادامه داد: وقتی تورم ۲۰ درصد اســت و ارزش پــول ما حداقل ۲۰ درصد از دســت می‌رود و به عبارت دیگر پولــی که در اختیار بانک قرار داده می‌شود در سال بعد ارزش آن پول کاهش می‌یابد بی تردید مردم ریسک نمی‌کنند تا پول خود را با بهره کم در اختیاربانکها قرار دهند.

وی با تاکید براین مطلب که ســرمایه گذاری بــدون بهــره عملی نیســت. تاکید کــرد: در بانکداری باید متناســب با مسائل روز و عقل رفتار کرد. به عبارت دیگــر در مراودات پولی باید از روابط پولی ظالمانه پرهیز کرد و برمبنای روابط عادلانه و منصفانه عمل کرد.

در ایران بانکداری اسلامی به شکل صوری اجرا شده است

اما ســید مهدی بنی طبا، کارشناس بانکداری هم به خبرنگار «امید صلح» گفته است: قانون بدون ربایی که در سال ۱۳۶۲ تصویب شده با فهم غلط از سیستم بانکی و امور بانک نوشته شــده است. از اینرو بخش‌هایی از آن بی هیچ وجه قابل اجرا نیست.

وی ادامــه داد: قانون مذکور دوبخش دارد که یک بخش آن درباره رابطه بانک با سپرده گذار است و بخش دیگر آن درخصوص رابطه بانک با تسهیلات گیرنده است.

وی با ایــن انتقاد که به طــور کلی در قانون مصوب بانکداری بدون ربا درباره رابطه بانک بــا بانک مرکزی هیچ صحبتی نشــده، گفت: در آنجــا هم بحث ربا خیلــی جدی‌تر مطرح اســت و آن قانــون در این خصــوص هیچ فکری نکرده اســت. آنچیزی که درخصوص

> ■ مهم‌ترین اشــکال بــه وضعیــت نظام بانکداری کشــور به قانونــی باز می‌گردد که در ســال ۱۳۶۲ تصویب شده است

رابطه با تســهیلات گیرنده در بخشــی از این قانون صحبت شــده قابل اجراست و می‌شود به صورت شــرعی آن بخــش را اجرایی کرد که البته دراین باره هم مســائلی مطرح است. اما آنچیزی که در رابطه با ســپرده گذار گفته شده از لحاظ عملی قابل اجرا نیست و در این ســالها هیچ وقت اجرا نشده است. بنابراین اگر بخواهیم در نظام اســلامی؛ بانکداری اسلامی را پیــاده کنیم و ربا را حذف کنیم به طور کلی باید فکر اساســی‌تر کنیم و ببینیم هر بانک با شــرایطی که دارد قابل اسلامی شدن است و اگر اینگونه اســت باید چه لوازمی داشته باشد. در این ســطح خیلی بحثی نشده است و حتی می‌شــود گفت در آنچه به عنوان قانون بدون ربا در مجلس مطرح اســت بازهــم این نگاه خیلی پررنگ نیســت و سعی نکرده این مساله را حل کند.این کارشناس اظهار داشت: ما ۱۳۰ ســال ســابقه بانکی داریم. در تمام این سالها با بانکداری ربــوی کار می‌کردیم. در دنیا هم این نوع بانکداری است. لذا اگر ما می‌خواستیم تحول بــزرگ یعنی تغییر شــکل و دگرگونی نظام بانکــی را اعمال کنیم قانون ســال ۶۲ نتوانست اینکار را انجام دهد.

وی معتقد اســت: هم قانون مشکل دارد و هم اینکه نظام بانکداری ما ۱۳۰ ســال به روش فعلی عمل کرده اســت بنابراین کارش را هم بلد بوده است و نسبت به بانکداری اسلامی و بدون ربا راحتر عمل می‌کند.

بنی طبا تاکید کرد: برای اینکه نظام بانکداری ما تغییر فاز بدهد باید قانون محکم‌تر و حساب شــده تری ارائه دهد تا بتواند تغییر شــکل را اعمال کند. چون این قانون فعلی دراین زمینه موفق نبوده اســت. پس نظــام بانکی ما هم به شــکل صوری آنرا اجرا کــرده در حالی که در عمــل همان کار قبلی خــود را انجام داده است. این مساله باعث شده اوضاع از قبل بدتر هم شــود. بنابراین بنده معتقدم ما اگر همان بانکداری ربوی را انجام می‌دادیم بهتر نتیجه می‌گرفتیم.

کشــورها با بانکداری اســلامی ما مساله ندارند

وی با اشــاره به سیســتم بانکداری اسلامی در دیگر کشــورها گفت: بانکداری اســلامی در دو کشــور ایران و سودان اجرا می‌شود. در کشــورهای دیگر بانکداری اسلامی یکپارچه که همه بانکهــا ملزوم به اجرای آن باشــند وجود نــدارد و بانکــداری اســلامی در کنار بانکداری متعارف وجود دارد. در کشــورهایی چون افغانستان، پاکســتان، ترکیه و سنگاپور بانکداری اســلامی دارند اما تفاوت اساســی بانکداری ما با این کشورها در اجرای یکپارچه لااقل در قانون اســت که اصلاً بانکداری غیر اســلامی را مجاز نمی‌دانیــم. این تفاوت ما با آنهاست.

مساله ما در روابط بانکداری با جهان بانکداری اســلامی نیســت. در بانکهای خارجی مساله اســلامی بودن مانعی برای بانکهای ما ایجاد نمی‌کند. درعرصه روابط بین الملل کشــورها با بانکداری اسلامی ما مســاله ندارند. مساله ریسک و نظارت در بانکهای بین المللی است.

قانون بانکداری ما نیازمند اصلاحات است

امــا مهدی تقوی دیگر کارشــناس مســائل اقتصادی هم با اشــاره به قانــون نظام بانکی

بانکداری اسلامی روزنه‌ای برای اجرای عدالت

آنچــه در بانکــداری اســلامی مدنظر اســت کارآمدی بانکداری بــدون ربا در ایجاد عدالت اجتماعی است. بانکداری اسلامی بایستی اولین هدف نظام اقتصاد اسلام را که عدالت اجتماعی است، تأمین کند.

نامگذاری روز بانکداری اسلامی

قانون عملیات بانکی بدون ربا که مشــتمل بر ۲۷ ماده و ۴ تبصره است در روز ۸ شهریور سال ۱۳۶۲ تصویب شــد و در ۱۰ شهریور ۱۳۶۲ به تأیید شــورای نگهبان رسید و چنین روزی، روز بانکداری اسلامی نامگذاری شد.

بانکداری اســلامی نوعی بانکداری یا فعالیت بانکی است که با احکام اسلام (به‌ویژه از دید ربا و رباخــواری) همخوانی دارد و در قالب اقتصاد اسلامی تعریف می‌شود.

بانک نهادی حقوقی اســت کــه عملیات‌های پولی، مالی و اعتباری را بر عهده دارد. بانکداری نیز عبارت است از ارائهٔ خدمات و عملیات بانکی مانند: امانت داری؛ نقل و انتقال پول، ســرمایه و اوراق بهادار اشــخاص حقیقــی و حقوقی و به کارگیــری آن؛ وصول مطالبات اســنادی؛ صدور بــروات و حواله‌های تجــاری؛ اعطاء و توزیع اعتبــارات و وام به اشــخاص حقیقی و حقوقی؛ تأمین اعتبار در جهت توسعهٔ بازرگانی، کشــاورزی و صنعت؛ خرید و فــروش فلزات قیمتی و ارز؛ انتشــار اسکناس و اوراق بهادار و تنظیم حجم پولِ در گردش؛ و اجرای سیاســت پولی و کنترل حجم اعتبارات.

حال اگــر بخواهیم این خدمــات و فعالیت‌ها را طبق قوانین اســلام مدیریــت و اجرا کنیم، «بانکداری اســلامی» پدید می‌آید. لفظی که مفهومی نسبی را بیان می‌کند: هرچه بانکداری به نظرات اســلام نزدیکتر باشد، بیشتر اسلامی است.

پس اتصــاف «بانکـ» به صفت «اســلامی»، بانکــدار را ملــزم می‌کند تا عــلاوه بر رعایت قوانین اســلامی در فعالیت‌هــا و خدمات مانند اجتناب از ربا یــا توزیع اعتبارات و به کارگیری سرمایه در موضوعات حرام مانند تولید و فروش هرگونــه جنس حرام؛ در نهایــت، هدف عالی اتمام مــکارم اخلاق را نیز دنبال کند. همچنان که امام خمینی آورده است: «اسلام دینی است که با تنظیــم فعالیت‌های مــادی راه را برای اعتلای معنوی انسان می‌گشاید.»

تاریخچهٔ بانکداری اسلامی

در طول دوران طلایی اســلام، سرمایه‌داری و بازار آزاد به شــکلی ابتدایی در دستگاه خلافت وجود داشــت و در فاصلهٔ قرن‌های ۸ ام تا ۱۲ ام، اقتصاد بازار توســعه یافت بــه گونه‌ای که برخی به آن عنوان «ســرمایه داری اسلامی» را نســبت می‌دهند. اقتصاد پولی آن دوران بر پایهٔ این بود که ارز دینار به صورت گسترده‌ای در گردش باشد و به این ترتیب منطقه‌هایی که درگذشــته از نظر اقتصادی مستقل بودند را در این موضوع درگیر می‌کردند. تاریخی‌ترین نوع بانک اسلامی، مؤسسات یا صندوق‌های قرض الحسنه هستند که در قرآن از آن یاد شده است.

بانکداری اســلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، نظام بانکداری دچار تحول شــد و در ۱۷ خرداد ســال ۱۳۵۸، شــورای انقلاب، نظام بانکداری کشور را ملی اعلام کرد. در واقع به دنبــال پیروزی انقلاب اســلامی، لزوم اســتقرار نظام اقتصاد اسلامی به عنوان یکی از ضرورت‌های اساســی کشور مطرح شد.

مهم‌ترین اقدام عملی در این جهت می‌توانست ریشه‌کن کردن ربا از سیستم بانکی کشور باشد تا بدین وسیله بنیان یک اقتصاد توحیدی مبتنی بر قســط و عدل گذارده شود. به همین منظور پس از انقلاب در سال ۱۳۵۸ اقداماتی در جهت اسلامی کردن نظام بانکی به عمل آمد که این اقدامات را می‌توان در کوشــش‌های اولیه برای حذف بهره و برقراری کارمزد در سیستم بانکی و تأسیس بانک اسلامی و توسعه صندوق‌های قرض‌الحسنه خلاصه کرد.

بانک‌های اسلامی در جهان

تعداد بانکهای اســلامی در دنیا ظرف سالهای ۱۹۹۷ -۲۰۰۴ از ۱۷۶ بــه ۲۶۷ بانک رســیده اســت. بانــک توسعه‌اســلامی IDB از اولین بانک‌های اســلامی اســت که در دسامبر سال ۱۹۷۳ به‌عنوان یک موسســه مالی بین‌المللی تأسیس شــد و کار خود را از بیستم اکتبر سال ۱۹۷۵ میلادی رسماً» آغازکرد.

هدف از تأسیس بانک، تسریع توسعه اقتصادی و پیشــرفت اجتماعــی کشــورهای عضــو و جامعه‌های مســلمان برپایه‌شــرع مقدس بود. بر اســاس آخرین آماردر ســال ۲۰۰۴ دارایی بانکهای اســلامی با نرخ رشد ســالانه ۲۳/۵ درصد، از مرز ۲۶۰ میلیارد دلار گذشت. این امر حاکی از این مطلب است که قوانیــن اسلامی مانعی در راه توسعه بانک‌های اسلامی نیست و هدف از اجرای ایـن قـوانیـن اجـرای معاملات به صورت مشروع و سالم است.

نظام بانکی بدون ربا

بر این اســاس که در فقه اسلامی دریافت پول اضافی از وام‌گیرنده ربا و حرام اســت، مجلس شورای اسلامی ایران در سال ۱۳۶۲ قانونی را با عنوان قانون عملیات بانکی بدون ربا تصویب کرد که از سال ۱۳۶۳ اجرایی شد. بر طبق این قانــون در خصوص رفع حرمت ربای قرضی در سپرده گذاری و اخذ سود اینطور آورده شده که سپرده گذاری در بانک، تحت عقد قرض نباشد، بلکه تحت عقودی دیگر مانند وکالت باشد.

به این صورت که سپرده گذار، پول خود را تحت عقد وکالت در اختیار بانک قرار می‌دهد و بانک نیز به عنوان وکیل پول را به چرخه اقتصاد وارد کرده و در اموری مانند مضاربه، اجاره به شــرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات و ... استفاده می‌کند و در نتیجه، از این تجارت‌ها سودی حاصل می‌کند. در نهایت بانک به عنوان وکیل، حق‌الزحمه خود را از ســود کسر کرده و مابقی را به مشتری تحویل می‌دهد.

پس در بانکهای اســلامی شــخص ســپرده گزار بانــک را وکیل خود می‌داند تا ســرمایه گذاری کند و ســود معامله را بــه او بدهد. لذا ســود علی‌الحساب را در موعد روزانه، ماهانه یا ســالانه پرداخت می‌کند. اما سود قطعی را پس از گذشت مدت کامل معامله و محاسبات دقیق، پرداخت می‌کنــد. و بانک به عنوان عامل، حق عاملیت و وکالت بر می‌دارد.

اما در مورد اخذ وام و قرض از بانک و پرداخت سودِ مازاد بر اصل پول، در بانکداری بدون ربا، بانک‌ها از عقود متفاوتــی مانند جعاله، مضاربه و ... اســتفاده کــرده و شــخص وام‌گیرنده را به مشــارکت گرفته و پول را بــه مضاربه و ... می‌دهند. در نتیجه، وام‌گیرنده مقداری از ســود حاصــل از مضاربه و ... را اضافه بر اصل وام به بانک تحویل می‌دهد. ضمن این که این عقود تابع قوانین خاص همان عقود نیز می‌باشد.

...ا کارشناسان بررسی کرد؛

...؛ واقعی یا صوری؟

...کداری اسلامی به شکل صوری اجرا شده است
...ر وهله اول تعریف دقیق خود را از ربا ارائه دهند
...سلامی ما با بانکداری دیگر کشورها تفاوتی ندارد

کشـــور به خبرنگار ما گفته است: اگر در قرن بیستم احســـاس می‌شـــود قانون بانکداری بـــه اصلاحاتی نیـــاز دارد که قطعـــاً اینگونه هم هســـت باید این اصلاحات با مشـــورت کارشناســـان اقتصادی انجام شـــود تا قانون جدید مطابق با مسائل روز دنیا باشد. بنابراین وقتی صحبـــت از بانکداری می‌شـــود خیلی بحـــث ندادن بهره به ســـپرده گذاران مطرح نیست. مسائل مهم دیگری است که باید در قوانین مورد توجه قرار گیرد.

وی ســـپرده گذاری بدون بهره را رد می‌کند و می‌گوید: جدای از درست یا نادرست بودن سیســـتم بانکداری ربوی و غیر ربوی سؤال من این است مگر می‌شود ما پس اندازمان را در بانک بگذاریم بدون آنکه بهره‌ای بگیریم در حالی که در فلان موسسه قرض الحسنه هر چه می‌خواهند سود بدهند؟

وی تاکید کرد: بهره‌ای که بانکها به ســـپرده گـــذاران می‌دهنـــد در واقـــع هزینه فرصت استفاده از پول است که به پس انداز کننده‌ها تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر وقتی مردم در بانک سپرده گذاری می‌کنند قطعاً انتظار دارند در ازای اینکار چیزی دریافت کنند. ربایی که در اسلام مطرح است موضوع دیگری است. لذا باید در نظر داشـــت سیستم بانکداری در همه جای دنیا با هر دین و مذهبی که باشند اینگونه است.

بانک‌های ایران مثـــل بانکهای آمریکا و اروپا عمل می‌کنند

وی معتقد اســـت: اگر بهره از بانک‌ها حذف شـــود؛ سیســـتم بانکداری بهم می‌ریزد. البته مؤسسات قرض الحســـنه در مساجد اینگونه عمل می‌کنند. هر چند که این مؤسسات هم در مقیاس وســـیعی نمی‌توانند به کسی پول قرض بدهنـــد. فقط در مـــواردی مثل اینکه کســـی اجاره خانه‌اش عقب افتاده باشـــد به آن فرد کمک می‌کنند. اما اگر بخواهیم پول را برای ســـرمایه گذاری صـــرف کنیم باید از نهادی مثـــل بانکها پول بگیریـــم. در چنین شرایطی ســـپرده گذار انتظار دارد از پولی که برای ســـرمایه گذاری اختصاص داده اســـت بهره یا سود خوبی ببرد.

اگر ما تـــک تـــک بانکها را بررســـی کنیم می‌بینیم به پولی که به آنها ســـپرده می‌شود بهره تعلـــق می‌گیرد. پس ممکن اســـت در محلات یا مساجد مؤسسات بدون بهره پول بدهند اما بانک‌ها نمی‌توانند اینکار را بکنند.

این کارشـــناس تاکید کـــرد: بانک‌های ما در حالی که نام بانکداری اســـلامی را دارند اما همان کاری را می‌کنند که بانکهای آمریکا یا اروپا، ژاپن و یا چین انجام می‌دهند. بنابراین بنده معتقـــدم الگوی بانکداری اســـلامی با بانکـــداری دیگر کشـــورها تفاوتـــی ندارد و رفتارها یکی است.

اگـــر بخواهیـــم در نظام اسلامی؛ بانکداری اسلامی را پیـــاده کنیم و ربا را حذف کنیـــم به طور کلی باید فکر اساسی‌تر کنیم و ببینیم هر بانک با شـــرایطی که دارد قابل اسلامی شدن است و اگر اینگونه اســـت باید چه لوازمی داشته باشد

تجربه بانکـــداری بدون ربا در دنیا موفق نبوده است

اما یک اقتصاددان و نظریه‌پـــرداز بانکداری اســـلامی با طرح این ســـؤال که چـــرا نظام بانکداری بدون ربا در عمل موفق نبوده است، گفته اســـت: اگر ندانیم و باز نکنیم و نفهمیم که این قانون، چرا بانک را به شرایط اولیه‌اش - یعنی شرایط ربوی قبل از اجرا - بازگرداند، هر قانون جدیدی بگذاریـــم بانکها به همان درد مبتلا می‌شوند؛ کلید اصلی در فهم چرایی عدم اجرای قانون در عمل، «آسیب‌شناســـی قانون و نظام بانکداری بدون ربا» ســـت. باید ببینیـــم آیا این قانون در عمل اجرا شـــد؟ آیا مشـــکل در قانـــون بود یا در اجـــرا؟ یا اصلاً مشکل ماهوی داشـــت؟ یا مشکل در مبانی نظری داشت که نتوانست اجرا شود؟ اگر این نکته اصلـــی را نفهمیم ۱۰۰ اصلاحیه هم به قانون بزنیم مشـــکلی را حـــل نخواهد کرد و همین اشکالات ادامه خواهد داشت.

وی ادامه داد: متاسفانه تجربه بانکداری بدون ربا در دنیا هـــم موفق نبوده اســـت. نه تنها قانون؛ اصلاً مبانـــی نظریه‌پردازی این قانون عملیات بانکداری بدون ربا - که خشـــت اول و مبنای قانونگذاری را تشـــکیل می‌دهد - از اساس ایراد دارد.

این ابراز انتقادها البته به کارشناســـان این امر ختم نمی‌شود. نگرانی مراجع تقلید و کاهش اطمینـــان افـــکار عمومی نســـبت به صحت عملکرد بانک‌ها از لحاظ رعایت احکام شرعی هم مساله دیگری است که برخی به آن اشاره کرده‌اند.

به هرحال ایـــرادات به مصوبه ۱۳۶۲ درحالی صورت می‌گیرد که برخی کارشناسان در مقام دفاع برآن برآمده و معتقدند: اگر همه قوانین بانکداری درســـت اجرا شود بسیاری از مفاسد نظام بانکی از میان خواهد رفت. اصلاح نظام بانکی و پیاده‌سازی صحیح بانکداری اسلامی مانع رکود اقتصادی می‌شـــود؛ چراکه با رونق بانکداری اســـلامی راه بـــرای تعامل نزدیک صنعتگـــران و فعالان اقتصـــادی با بانک‌ها گشوده خواهد شد و این سرآغاز حرکت عظیم و آرمانی به سوی عدالت اجتماعی خواهد بود. به عبارت دیگر بانکها به عنوان سرمایه گذار در پروژه‌هـــا و یا طرحهای عمرانی ســـرمایه گـــذاری می‌کنند و رابطه بیـــن مدیر پروژه و بانک به دو صورت عقود مشـــارکتی و عقود مبادله‌ای اســـت و بانکها در قالب قراردادها و عقود اسلامی (مبادله‌ای و مشارکتی) به افراد حقیقی یا حقوقی تســـهیلات ارائه می‌دهند. در عقود مبادلـــه‌ای به میزان نرخی که بانک مرکزی مشـــخص کرده است به سپرده‌های کوتاه مدت ســـود تعلق می‌گیرد و میزان نرخ ســـود در همـــه بانکها یکی اســـت. در عقود مشـــارکتی بســـته به نوع پروژه‌ای که بانک در آن ســـرمایه گذاری کرده است سود متغیر است. از آنجا که سود بانک تضمین شده این نوع تسهیلات بدون زیان است.

براین اســـاس مبنای بانکدای اسلامی، حذف بهره و ربا، مشـــخص بودن مســـیر مصرف منابع، نظارت بـــر روند مصرف و فعالیت‌های مربوط به آن، به منظور رعایت اصول و مبانی شرعی، تسهیم ســـود و زیان و تقبل ریسک بـــه دلیل به کارگیری در بخش واقعی اقتصاد اســـت. دربانکداری اســـلامی، وجوه سپرده گذاران مطابق با موازین شرعی وحقوقی ودر قالب عقود معین سرمایه گذاری می‌شوند. عدالـــت، انصـــاف، پرهیز از اســـراف و تکاثر براساس فرامین الهی در زمره اصول لاینفک بانکداری اســـلامی و حاکم بر عقود اسلامی اســـت که موجب برکت و مانع رکود و سقوط ساختار اقتصادی می‌شود.

بانک‌های ما در حالی که‌نام‌بانکداری‌اسلامی را دارند اما همان کاری را می‌کنند که بانکهای آمریکا یا اروپا، ژاپن و یا چین انجام می‌دهند. قانـــون بانکـــداری ما نیازمند اصلاحات است

اما فارغ از نقطه نظرات متفاوت کارشناسانی کـــه در این گزارش به آنها اشـــاره شـــد؛ به نظرمی رسد اگرچه قانون بانکداری بدون ربا به عنوان اولین گام برای اسلامی کردن نظام بانکی کشور در سال ۱۳۶۲ به تصویب رسید و اینـــک حدود ۳ دهه از اجـــرای این قانون می‌گذرد اما بی تردید نه می‌توان ادعا کرد که نظام بانکی ایران، کاملاً اسلامی شده است و ایـــن قانون نیاز به اصلاحات ندارد و نه اینکه با نگاهی افراطی می‌توان مدعی شد در نظام بانکی ما نشـــانی از بانکداری اسلامی وجود ندارد و کل قانون تصویب شده قابل رد است. قطعاً قوانین بانکداری کشـــوربا چالش‌هایی روبروســـت که بـــرای حل ایـــن چالش‌ها و اشـــکالات موجـــود در آن اســـتفاده از نظر کارشناسان و رجوع به تجارب دیگر کشورها می‌تواند راهگشا باشد.

بانکداری اسلامی چیست؟

آغاز بانکداری اســـلامی بـــه دغدغه یکی از کشـــورهای غـــرب در مورد رواج گســـترده بانکداری ربـــوی بر می‌گردد که در نتیجه آن شـــهید محمدباقر صدر در این باره تحقیقات جامعی بعمل آورد. علت طرح موضوع هم این بود که مسلمانان اســـتقبال چندانی از توديع پول در بانکداری ربوی نداشتند و سرمایه‌های خود را به طور معمول در این بانک‌ها ســـپرده گذاری نمی‌کردند. شـــهید صدر دو بحث در ایجـــاد بانکداری غیرربوی بیان داشـــت: اول اینکه در اســـاس و به طور پایه‌ای، بانکداری چگونه اســـلامی می‌شـــود، و دوم اینکه چه کنیم تا در صورت عـــدم تغییر وضع موجود، نوعـــی بانکداری رواج یابد که لااقل شـــبهه ربوی نداشته باشـــد، یعنی از اساس و بنیان، بانکداری اســـلامی مطرح نشود که با مشی حکومت مطابق نباشد، بلکه به گونه‌ای باشد که بتوان با حفظ شیوه بانکداری متعارف فعلی (ربـــوی) و حذف نقاط منفی آن (ربوی بودن) از طریق استناد به فتاوای مشهور و همچنین حفـــظ نقاط قوت این بانکـــداری همانند نقل و انتقـــال پول به اصلاح آن پرداخت. شـــهید صدر روش دوم را پیشـــنهاد کرد؛ وی اجرای روش اول را که شامل ایجاد تغییرات اساسی در ســـاختار و بنیان بانکداری اســـت به دلیل نبود شرایط کافی، مناسب ندانسته و بنابراین بانکداری بدون ربا را مطرح می‌کرد. این نوع نظام بانکداری بدون ربا ریشه در ایدئولوژی و ارزش‌های اقتصاد اســـلامی دارد و تحقق آن مستلزم اســـتقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیـــع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه اســـت. بنابراین، منظور از بانکداری اسلامی نوعی سیســـتم بانکداری اســـت که مبتنی بر

قوانین اســـلامی و نظریـــات اقتصاددانان و کارشناسان علوم بانکی و علمای اسلام است. اگـــر مؤلفه‌های اصلی بانکداری اســـلامی را حذف ربا از تمامی عملیـــات بانکی و انطباق عملیات بانکی با موازین شرعی بدانیم، اساس بانکداری اســـلامی، تســـهیم سود، مشخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی خواهند بود. براین اساس، در بانکداری ســـنتی (ربوی) بین بانک و مشتری و گیرنده تســـهیلات یک رابطه مســـتقیم وجود دارد و بواســـطه وجود همین رابطه مســـتقیم، رابطه دائن و مدیون بوجود می‌آید، اما در بانکداری اســـلامی وجوه ســـپرده گذاران طبق موازین شرعی و حقوقی و درقالب عقود معین سرمایه گذاری می‌شود. در مبحث بانکداری اسلامی موضوع سود و حداقل سود مورد انتظار پیش کشـــیده می‌شـــود که با ربا (بهره)، به معنی دریافت هر مبلغ اضافه بر روی دین مشـــروط بر اینکه قبلاً شرط شـــده باشد، تفاوت‌هایی اساســـی دارد، از جمله اینکه: ســـود با توافق طرفیـــن تعیین و به نســـبت‌های مورد توافق پرداخت می‌شـــود، ولی ربا از طرف وام دهنده (دائن) تعیین و به هر نرخ یا نرخ‌های ثابت از قبل تعیین شده، پرداخت می‌گردد. سود قبل از تحقـــق حالت التـــزام دارد و پس از تحقق حالت الزام، ولی ربا بر ذمه وام گیرنده (مدیون) بوده و پرداخت آن در هر حالتی الزامی است. ســـود *** نظام بانکداری بدون ربا ریشه در ایدئولوژی و ارزش‌های اقتصاد اسلامی دارد و تحقق آن مستلزم استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی و نیز توزیع عادلانه درآمد و ثروت در جامعه است. *** اساس بانکداری اسلامی، تسهیم سود، مشـــخص بودن مسیر مصرف منابع و نظارت بر عملیات بانکی است. حاصل بهره وری از عوامل تولید، بالاخص عامل کار و ســـرمایه است، ولی ربا حاصل بهره وری از ســـرمایه (دارایی‌های نقدی) است و صاحب سرمایه در تحقق آن مشارکت مستقیم ندارد. ســـود مستند و مجوز شـــرعی دارد و از لحاظ حقوقی و اقتصادی قابل توجیه است، ولی ربا مستند و مجوز شرعی ندارد و از لحاظ حقوقی و اقتصـــادی قابـــل توجیه نیســـت. ازطرفی بانکـــداری اســـلامی برخلاف دیدگاه ســـایر مؤسسات مالی که هرگز ارتباط بین بانکداری واصول اخلاقی را نپذیرفته‌اند، پایبند به اصول اخلاقی اســـت. توجـــه به اوضاع مشـــتریان ووضعیت های موجود در نحوه رفتار با مشتری ازویژگی های این نظام است. بنابراین تعریف، بانـــک اســـلامی پول‌های مشـــتریان خودرا بدون تعهدمستقیم یاغیر مستقیم به پرداخت پاداش ثابت به ســـپرده‌های آنها دریافت می کنداماباز‌پرداخت اصل ســـپرده‌ها را به هنگام درخواســـت مشـــتری تضمین می‌کند. بانک اســـلامی، وجوه نزد خـــود را (بدون وام دادن بابهره) در فعالیت‌های تجاری وسرمایه گذاری به کارمی گیرد (یعنی براســـاس مشـــارکت درسود) ودر صورتی که فعالیت موردنظرزیان کندبانک نیز همانند ســـایر شـــرکاء در زیان ســـهیم خواهد شد. برای تکمیل تعریف بانک اسلامی لازم است شرط دیگری به شرط عدم معامله با بهره (ربا) اضافه نمود. و آن التزام به اصول شریعت اســـلامی در تمام فعالیت‌ها و معاملات (و به دنبـــال آن عدم به کار گیری منابع مالـــی در فعالیت‌های غیر مشـــروع) و التزام بـــه مقاصد شـــریعت در تأمین منابع و مصالح جامعه اســـلامی می‌باشـــد. بنابراین بانک اســـلامی منابع مالی خود را به بهترین فعالیت‌های ممکن تخصیص داده و برمبنای ارزش‌های اخلاقی واصول شرعی برای تأمین منافع فردی (در ضمـــن مصالح اجتماعی) به مشتریان خود مشاوره می‌دهد. ناگفته پیداست کـــه این تعریف از بانک اســـلامی (که در آن عدم کاربرد بهره شـــرط ضـــروری وعمل به شریعت شرط کافی است) مسئولیت سنگینی به دوش این مؤسســـه می‌افکنـــد، خصوصاً درشـــرایط امروزی کشورهای اسلامی که در تمام زمینه‌های تولیـــدی و تأمین مالی لازم است منابع خود را به طور کامل و با بیشترین کارآیی به کار گیرند، تا بتوانند در فرایند توسعه و زدودن فقر به موفقیت دســـت یابند اهداف نظام بانکی در چارچوب چنین قانونی اینگونه عنوان شده‌اند: - استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اســـلامی) به منظـــور تنظیم گردش صحیح پـــول و اعتبار در جهت ســـلامت ورشـــد اقتصادی کشور - فعالیت در جهت تحقق هدف‌ها وسیاست ها و برنامه‌های اقتصادی دولت باابزارهای پولی و اعتباری -ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش تعاون عمومی و قرض الحسنه از طریق جذب و جلـــب وجوه آزاد، اندوخته‌هـــا، پس اندازها، سپرده‌ها و بســـیج و تجهیز آنها برای تأمین شرایط و امکانات کار و سرمایه گذاری - حفظ ارزش پول و ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌ها و تسهیل مبادلات بازرگانی - تسهیل در امور پرداخت‌ها و دریافت‌ها و مبادلات و معاملات و ســـایر خدمات که به موجب قانون بر عهده بانک گذاشته می‌شود.

الگوهای موفق بانکداری اسلامی در جهان

همزمان با توسعه صنعت بانکداری و خدمات مالی در جهان، بانکداری اسلامی نیز به دلیل ویژگی‌هایی از جمله ممنوعیت انجام معاملات ربوی، تأکید بر قراردادهای واقعی، توزیع ریسک سرمایه گذاری، برقراری رابطه میان عرضه پول و بخش واقعی اقتصاد، محدودیت فعالیت‌های سفته بازی در نظام بانکی و ... درکشورهای مختلف اسلامی و غیراسلامی با رشد چشمگیری روبه رو شده است. به طوریکه، در حال حاضر ۱۴۱ بانک اسلامی در جهان مشغول فعالیت هستند که ۵۷ درصد آنها در منطقه خاورمیانه می‌باشند. همچنین، تا سال ۲۰۱۴، ۳۶۰ مؤسسه مالی شامل بانک‌های تجاری و تخصصی، شرکت‌های بیمه و مؤسسات مالی و اعتباری در ۴۰ کشور جهان به ارائه خدمات مالی اسلامی پرداخته‌اند که از این میان، خدمات ۲۵۰ مؤسسه به طور کامل اسلامی بوده و ۱۱۰ بانک تجاری نیز با داشتن باجه‌های اسلامی، خدمات منطبق بر شریعت به مشتریان خود عرضه کرده‌اند و بسیاری از آنها با پیروی از اصول دقیق بانکداری بدون ربا و منطبق بر شریعت توانسته‌اند به عنوان الگوهای موفق در معرفی بانکداری اسلامی مورد توجه قرار گیرند. به نظر می‌رسد، تجارب کشورهایی که توانسته‌اند در زمینه بانکداری بدون ربا موفق عمل کنند و در فضای رقابتی با بانکداری ربوی، زمینه توسعه و رشد صنعت بانکداری اسلامی را در جهان فراهم کنند، می‌تواند فرصت‌های جدیدی پیش روی نظام بانکی کشور که از سال ۱۳۶۲ با تصویب قانون بانکداری بدون ربا، به بانکداری اسلامی روی آورد، اما در مقام اجرا دچار مشکلاتی شد، قرار دهد. بر این اساس، به بهانه دهم شهریور ماه، سالروز تصویب قانون بانکداری بدون ربا، این نوشتار به معرفی برخی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی موفق در بانکداری اسلامی اختصاص یافته است.

کشورهای اسلامی موفق در حوزه بانکداری اسلامی

■ مالزی

کشور مالزی یکی از کشورهای پیشرو در صنعت بانکداری اسلامی است و به جرأت می‌توان مدعی شد در حال حاضر بانکداری اسلامی در جهان با نام مالزی شناخته می‌شود. سیر تاریخی بانکداری اسلامی در این کشور، به سال ۱۹۶۹ بازمی گردد که موسسه «لمباگا تابونگ حاجی» شکل گرفت. این موسسه(که هم‌اکنون نیز همچنان به فعالیت مشغول است وظیفه دریافت و مدیریت منابع افرادی را که علاقمند به انجام سفر حج در آینده بودند بر عهده داشت و پس اندازهای مردم را در شیوه‌های اسلامی و سودده اقتصادی مورد استفاده قرار می‌داد. این فعالیت‌ها ادامه داشت تا اینکه در سال ۱۹۸۳، با تصویب قانون بانکداری اسلامی و تأسیس اولین بانک اسلامی با عنوان «بانک اسلامی برهاد مالزی»، این شیوه از بانکداری رسماً کار خود را در این کشور آغاز کرد. بانک اسلامی برهاد اولین بانک اسلامی است و به همین دلیل هم در سطح ملی و هم بین‌المللی به عنوان یک بانک اسلامی فعال شناخته می‌شود. در حال حاضر این بانک با ۱۳۳ شعبه در سراسر مالزی، حدود ۷۰ محصول مالی اسلامی را در زمینه‌های گوناگونی مانند تجهیز و تخصیص منابع، صکوک، تأمین مالی شرکتی، تأمین مالی خرد، مدیریت ثروت و غیره ارائه می‌دهد. همچنین، جدیدترین توسعه مقرراتی در مالزی، مرتبط با تصویب «قانون خدمات مالی اسلامی» در سال ۲۰۱۳ است که به صورت کاملاً جامع همه ابعاد قانونی، حقوقی، نظارتی و شرعی فعالیت‌های تمامی موسساتی را که قصد دارند در چارچوب اسلامی فعالیت کنند، مورد تبیین قرار می‌دهد.

مالزی در زمینه تأسیس بانک‌های اسلامی، مؤسسات مالی اسلامی، بازار بین بانکی اسلامی، انتشار انواع مختلف صکوک و غیره، با سرعتی بالا رو به حرکت است و بر اساس اهداف اعلام‌شده توسط ریاست بانک مرکزی و سایر مقامات اقتصادی، این کشور قصد دارد در آینده‌ای نزدیک خود را به عنوان «قطب بانکداری و مالی اسلامی جهان» مطرح کند. شیوه‌های تجهیز منابع در بانکداری اسلامی این کشور، به سه روش حساب جاری، حساب‌های پس انداز و سپرده‌های سرمایه گذاری صورت می‌گیرد و تخصیص منابع نیز به صورت عقد تورق و فروش اقساطی می‌باشد.

■ سودان

نخستین بانک اسلامی در سودان در سال ۱۹۷۸، با نام «بانک اسلامی فیصل» آغاز به کار کرد و با تصویب «قانون شریعت اسلام» در سال ۱۹۸۳، تغییرات اساسی در عملیات بانک مرکزی سودان و در کل نظام بانکی کشور در زمینه اسلامی کردن فعالیت‌های بانکداری مرسوم آغاز شد. اما از آنجا که تبدیل یکباره تمام قوانین مالی و اسلامی کردن آنها در اقتصاد سودان دشوار بود، از سال ۱۹۹۲، بخش مالی بر اساس مقررات اسلامی بنا شد و هر معامله‌ای که بر اساس قوانین شریعت نبود، ممنوع اعلام گردید. در حال حاضر بانکداری اسلامی صرفاً در کشور سودان (سودان شمالی) به صورت سراسری اجرایی می‌شود و بانک مرکزی سودان ضمن تشکیل شورای فقهی با جایگاه رسمی و قانونی، ضمن نظارت بر اجرای بانکداری اسلامی، از ابزارهای سیاستگذاری پولی اسلامی نیز استفاده می‌کند.

همچنین، تجهیز منابع در بانک‌های اسلامی سودان از سه طریق حساب‌های جاری، حساب‌های پس‌انداز و حساب‌های سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد و تخصیص منابع نیز به انواع عقود اسلامی از جمله مضاربه و مشارکت (بر اساس تسهیم سود و زیان)، مرابحه، اجاره، استصناع (بر اساس سود مشخص) و قرض‌الحسنه (قرض بدون بهره) تعلق دارد.

■ پاکستان

روند اسلامی کردن سیستم بانکی در پاکستان از سال ۱۹۷۹ آغاز شد و تا پیش از این، در سال ۱۹۷۷، وظیفه تهیه و تدوین طرحی منطبق با شریعت برای اقتصاد کشور، به «شورای جهان‌بینی اسلامی» پاکستان واگذار شده بود. این شورا گروهی از اقتصاددانان و خبرگان امور بانکی را موظف به انجام وظایفی کرد که یکی از مهم‌ترین آنها، ارائه شیوه‌های ممکن برای حذف بهره (ربا) از اقتصاد پاکستان بود. اعضای منتخب، پس از بررسی طرح، گزارش خود را در فوریه ۱۹۸۰ به «شورای جهان‌بینی اسلامی» پاکستان ارائه کردند. شورا نیز پس از انجام اصلاحات و تعدیلات لازم، گزارش آماده شده را در همان سال به ریاست جمهوری پاکستان تسلیم کرد که پس از تأیید، جهت اجرا ابلاغ شد. به این ترتیب، پس از اعلام دولت پاکستان مبنی بر ممنوعیت انجام معاملات ربوی در نظام مالی کشور، بانکداری متعارف بر اساس نرخ بهره ممنوع شد. پس از آن، طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۵، تلاش‌ها برای حذف واقعی ربا از نظام بانکی همچنان ادامه یافت تا اینکه در سال ۱۹۸۵ نظام بانکداری پاکستان به صورت رسمی، اسلامی اعلام شد و تمامی بانک‌ها و مؤسسات مالی ملزم به استفاده از عقود اسلامی شدند. اما از آنجا که تجربه‌ای از اجرای صحیح بانکداری اسلامی در کل نظام بانکی این کشور وجود نداشت، نظام بانکی ظاهری اسلامی پیدا کرده و عقود اسلامی (به ویژه عقود مشارکتی) به شیوه‌ای صوری و غیرواقعی اجرا می‌شد. این روند موجب شد مقامات قانونی پاکستان در سال ۲۰۰۱، تصمیم به تغییر نظام بانکی گرفته و رسماً از نظام بانکداری اسلامی سراسری به سمت نظام بانکداری اسلامی دوگانه تغییر مسیر دهند. براین اساس، از سال ۲۰۰۱ اجازه فعالیت بانک‌های اسلامی و غیراسلامی در کنار هم صادر شد. از این سال به بعد، بانک مرکزی پاکستان تنها به بانک‌هایی اجازه می‌داد تحت عنوان «بانک اسلامی» به فعالیت مشغول شوند که خود را متعهد به اجرای ضوابطی خاص کنند. در این راستا، اولین بانکی که توانست ضوابط مذکور را تأمین کند و به عنوان بانک اسلامی واقعی به فعالیت بپردازد، «بانک میزان» بود که عملاً فعالیت‌های خود را در سال ۲۰۰۲ آغاز کرد. تعداد بانک‌های اسلامی پاکستان تا دسامبر ۲۰۱۴، شامل ۲۲ بانک، با ۱۵۷۴ شعبه در این کشور بوده است.

شیوه تجهیز منابع در بانک‌های اسلامی پاکستان از طریق انواع حساب‌های جاری، سپرده‌های پس انداز، سپرده‌های ثابت و سرمایه گذاری و سایر انواع سپرده‌ها می‌باشد که در این میان، سپرده‌های سرمایه گذاری مهم‌ترین منبع مالی محسوب می‌شوند. شیوه تخصیص منابع نیز، اغلب با استفاده از عقود مرابحه، اجاره، مشارکت، مضاربه، مشارکت تناقصی یا کاهنده، سلف و استصناع انجام می‌شود.

■ اردن

«بانک اسلامی اردن» نخستین بانک اسلامی این کشور است که به عنوان یک بانک خصوصی در سال ۱۹۷۸ با سرمایه چهار میلیون دینار اردنی با هدف تأمین مالی، بانکداری و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مطابق با قوانین شریعت اسلام تأسیس شد و در سال ۱۹۷۹ فعالیت خود را آغاز کرد. ارکان اصلی این بانک را «مجمع عمومی»، «شورای اداری»، «هیات اجرایی»، «مشاور شرعی» و (اخیراً «هیات مشاوره شرعی») تشکیل می‌دهد. بانک اسلامی اردن به جهت شفاف و منطقی بودن قوانین و فعالیت‌های آن، یکی از موفق‌ترین بانک‌های اسلامی به شمار می‌آید که به الگویی برای سایر مؤسسات علاقه‌مند تبدیل شده است. در حال حاضر این بانک در سراسر اردن ۶۷ شعبه دارد.

تجهیز منابع در این بانک از طریق سپرده‌ها شامل سپرده‌های امانی و سرمایه گذاری و اوراق مضاربه می‌باشد. شیوه تخصیص منابع نیز به صورت مرابحه، مضاربه، مشارکت (مشارکت کاهنده و مشارکت به روش سهام)، قرض الحسنه، سرمایه گذاری مستقیم، اجاره به شرط تملیک و فروش اقساطی انجام می‌شود.

■ بنگلادش

نخستین بانک اسلامی بنگلادش با مسئولیت محدود در سال ۱۹۸۳ تأسیس شد. این بانک بر اساس قانون شرکت‌ها تشکیل و هدف آن بانکداری بر اساس شریعت اسلامی بود. طی مدت سه سال این بانک عملیات خود را به ۷ شهر و تعداد ۱۳ شعبه گسترش داد و در حال حاضر بیش از ۱۰۰ شعبه در سرتاسر بنگلادش دارد. مهم‌ترین هدف بانک‌های اسلامی بنگلادش ارائه خدمات بانکداری اسلامی بدون ربا در بازار مالی این کشور است. از نظر رتبه‌بندی بنکر، این کشور در سال ۲۰۱۲، رتبه نهم را از لحاظ دارایی‌های منطبق بر شریعت در میان سایر کشورها به خود اختصاص داده است.

روش تجهیز منابع مالی در بانک اسلامی بنگلادش شامل حساب جاری، حساب سپرده با پیش آگهی ویژه PLS (سیستم پایه مشارکت در سود و زیان راستین)، حساب سپرده PLS، حساب سپرده مدت دار PLS، حساب جاری براساس ودیعه و حساب PLS براساس مضاربه است. تخصیص منابع نیز با روش‌های مرابحه، فروش اقساطی، مشارکت با وثیقه گذاری (وثیقه در برابر هرگونه نقض قرارداد توسط مشتری اخذ می‌شود)، مشارکت رهن گذاری (مکانیزم آن مانند مشارکت بانک قرار داده می‌شود)، اجاره به شرط تملیک، مشارکت سهمی (حقوقی)، خرید سهام و قرض (وام بدون بهره با کارمزد) صورت می‌گیرد.

بانکداری اسلامی در انگلستان و آمریکا

■ انگلیس

انگلیس نخستین کشور غربی است که به تأسیس بانکداری خرد براساس قوانین اسلام اقدام نمود. بانک اسلامی انگلستان با تصویب FSA در سال ۲۰۰۴ تأسیس شده است. از آن زمان به بعد، بانکداری اسلامی در کشور انگلستان به طور پیوسته توسعه یافت؛ به نحوی که در سال ۲۰۱۳ پنج بانک کاملاً اسلامی، بیش از ۲۰ شعبه اسلامی در بانک‌های غیراسلامی، یک شرکت بیمه اسلامی (تکافل)، ۹ صندوق سرمایه‌گذاری و یک صندوق پوشش ریسک اسلامی در این کشور به فعالیت مشغول بودند. انگلستان فعال‌ترین و پیشرفته‌ترین بخش بانکداری اسلامی را در اتحادیه اروپا داشته و دروازه ورودی تأمین مالی اسلامی می‌باشد.

شیوه تجهیز منابع در بانک اسلامی انگلستان به شیوه‌های حساب جاری براساس عقد قرض، حساب‌های پس انداز براساس عقد مضاربه با سود انتظاری و حساب‌های سرمایه گذاری بنابر عقد وکالت ارائه می‌شوند. دو عقد مرابحه و عقد ترکیبی مشارکت تناقصی (کاهنده) و اجاره نیز شیوه‌های تخصیص منابع در بانک اسلامی انگلستان است.

■ آمریکا

نخستین مؤسسات مرتبط با بانکداری و مالی اسلامی در این کشور «صندوق مشترک سرمایه‌گذاری امانت» و «موسسه تأمین مالی امریکا (لاربا)» بودند که به ترتیب در سال‌های ۱۹۸۶ و ۱۹۸۷ در واشنگتن و کالیفرنیا تأسیس شدند. از آن زمان تاکنون فعالیت مؤسسات مالی اسلامی در امریکا رشد داشته است، به نحوی که در حال حاضر حداقل ۹۱ موسسه ارائه‌دهنده محصولات و خدمات بانکداری اسلامی (اعم از شعب بانکداری خرد، بانک‌های سرمایه گذاری، شرکت‌های رهنی و شرکت‌های تأمین مالی) مشغول فعالیت هستند. دو موسسه «دِون بانک» و «یونیورسیتی بانک» نیز که در حوزه بانکداری خرد مشغول به فعالیت هستند به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ اقدام به تأسیس شعب اسلامی کردند و به طور عمده از عقود مبادله‌ای به منظور تأمین مالی گروه‌های هدف خود بهره می‌برند.

شیوه‌های تجهیز و تخصیص منابع در موسسه تأمین مالی آمریکا نیز به نوعی با سایر بانک‌های اسلامی متفاوت است؛ به طوریکه، ساختار این موسسه بدین صورت تعریف شده است که اساساً سپرده‌پذیری ندارد. بلکه سرمایه‌ای اولیه توسط سهامداران موسسه تأمین شده و از این منابع جهت ارائه تسهیلات مشخصی استفاده می‌شود. از طرفی بر اساس اقساط دریافتی از تسهیلات‌گیرندگان، منابع آزاد می‌شود و در اختیار سایر افراد متقاضی قرار می‌گیرد. موسسه تأمین مالی امریکا همچنین از شیوه‌های محدودی جهت تأمین مالی استفاده می‌کند که اولین و مهم‌ترین آن ارائه تسهیلات رهنی بر اساس عقد «مشارکت تناقصی و اجاره» است. عقد دیگری که در این موسسه برای «تأمین مالی تجارت» مورد استفاده قرار می‌گیرد، مرابحه است.

■ کلام آخر

اقبال جهانی از صنعت بانکداری اسلامی و مزیت‌ها و فوایدی که این شیوه از بانکداری در حل مشکلات مالی دارد، اهمیت توجه به اجرای صحیح بانکداری اسلامی را در کشور دوچندان می‌کند. سیستم بانکی کشور که به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۳۶۲، به دنبال حذف هر نوع فعالیت ربوی از نظام بانکی بود، با گذشت بیش از سه دهه از اجرای آن به دلیل نواقص و اشکالاتی که در اجرا با آن مواجه شد، نتوانست اهداف مورد انتظار را برآورده کند و چه بسا، علاوه بر وارد شدن آسیب‌های جدی به نظام پولی و مالی کشور، زمینه ساز بسیاری از مشکلات اقتصادی از جمله تورم، رکود و ... شد. این موضوع باعث شده، تا کارشناسان و صاحبنظران امر، بر اصلاح ساختارهای نظام بانکی و همچنین قانون بانکداری بدون ربا به عنوان راهکاری اساسی جهت خروج از مشکلات نظام بانکی و به تبع آن، اقتصاد کشور تأکید کنند. در این زمینه، استفاده از تجارب کشورهایی که توانسته‌اند در حوزه بانکداری بدون ربا موفق عمل کنند، می‌تواند مورد توجه سیاستگذاران و قانونگذاران کشور قرار گیرد، که این مهم نیز، تعامل و همکاری سایر دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با نظام پولی و مالی کشور را می‌طلبد.

حذف ربا، مهم‌ترین رکن بانکداری اسلامی

دکترکورش پرویزیان*

فرارسیدن هفته بانکداری اسلامی را که یادآور تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۲ است به همکاران پرتلاش خود در شبکه بانکی و کلیه فعالان اقتصادی تبریک عرض می‌کنم و امیدوارم که با همت و عزم ملی و اصلاح قوانین، شرایط اقتصادی کشور در مسیری قرار گیرد که موجبات تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و همچنین خروج از رکود و رشد اقتصادی و جلب رضایت مشتریان فراهم شود و با استفاده از ظرفیت‌های عملیاتی نشده این الگوی منطبق بر شریعت، بتوانیم الگوهای تأمین مالی اسلامی را بین المللی نماییم.

رییس کانون بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی افزود: پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر روابط اجتماعی و تغییر قوانین غیراسلامی، بازار پول و سرمایه، به ویژه نظام بانکی نیز دستخوش دگرگونی اساسی شد که تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، از مصادیق روشن آن به شمار می‌آید. اکنون با گذشت چندین سال از تصویب و اجرای قانون عملیات بانکداری بدون ربا، فرصت مناسبی برای مطالعه و ارزیابی آن در اختیار ماست که با برطرف کردن خلاها و اشکالات واصلاح و تکمیل آن، بتوان گام‌های موثری در مسیر اصلاح ساختار نظام بانکی برداشت.

مدیرعامل بانک پارسیان تصریح کرد: اگر چه حذف ربا از فعالیت‌های بانکی، مهم‌ترین رکن بانکداری اسلامی است اما برای توسعه حوزه نفوذ بانکداری بدون ربا لازم است که متناسب با تحولات بانکداری جهان، تغییر تعریف و جایگاه پول، سپرده‌ها و تسهیلات نسبت به تحول در عقود، خدمات، روش‌ها و استانداردها، قوانین و مقررات نیز اصلاح شود.

اجرای بانکداری اسلامی علاوه بر دغدغه مراجع و علما، نیازمند عزم و اراده همگانی مدیران، کارکنان و لایه‌های گوناگون و مسئولین ارشد نظام بانکی، مسئولین اقتصادی کشور، دولتمردان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، دستگاه قضایی کشور و... می‌باشد تا با تبیین و ترویج رویکرد متناسب با حذف ربا، موجبات پیاده سازی بانکداری اسلامی در کشور را فراهم آورند. فلذا موضوع اجرای صحیح بانکداری اسلامی فقط مختص نظام بانکی، مدیران و کارکنان بانکی نیست، بلکه همه مسئولیت دارند تا بانکداری اسلامی با ابعاد وسیع آن در کشور عملیاتی شود.

***مدیرعامل بانک پارسیان**

طرح «کودک همسری»؛ چالشی بین موافقان و مخالفان

نجمه محمودی‌نیا

کودک همسری؛ روایت کننده جفایی از زندگی تلخ کودکانی است که به دلیل فرهنگ و سنت و مشکلات اقتصادی خانواده محکوم به زندگی با همسری هستند که در پس آن درکی از معنای علاقه مطرح نیست؛ روایتی از دردهای مادران قدیمی که رنج‌های خود را بعضاً به نسل جدید منتقل می‌کنند. در حالی که تنش‌های بین سنت و مدرنیته برای ازدواج کودکان همواره دیده می‌شود، طیبه سیاوشی عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی با عنوان «کودک همسری» به منظور «افزایش سن ازدواج» خبر داد، طرحی که به نظر می‌رسد همچنان در کنار موافقانش، مخالفانی نیز داشته باشد.

چندی پیش طیبه سیاوشی عضو فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی از تدوین طرحی در قالب «کودک همسری» در مجلس شورای اسلامی از سوی فراکسیون زنان خبر داده که بر اساس آن حداقل سن ازدواج برای دختران به ۱۶ سال افزایش می‌یابد. در این طرح حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ و برای پسران ۱۸ سال پیش بینی شده و ازدواج برای دختران زیر ۱۳ سال مطلقاً ممنوع خواهد شد. این در حالی است که در حال حاضر حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال بوده و دختران زیر ۱۳ سال تنها با مجوز دادگاه امکان ازدواج دارند.

عدم همکاری مرکز پژوهش‌های مجلس در افزایش سن ازدواج کودکان

طرح «افزایش سن ازدواج» تاکنون مخالفان زیادی را با خود همراه داشته، از جمله این مخالفتها از سوی مرکز پژوهشهای مجلس بوده به طوریکه طیبه سیاوشی درباره عدم همکاری مرکز پژوهش‌ها در تدوین طرح «کودک همسری» گفته: «این مرکز در تمام همایش‌هایی که درباره ازدواج زیر ۱۸ سال انجام می‌گیرد حضور می‌یابد تا بتواند جلوی افزایش سن ازدواج را بگیرد.» به گفته سیاوشی این مرکز اعتقاد دارد که تعداد ازدواج‌هایی که در سن کودکی اتفاق می‌افتند کم است و همین مسأله را پایه اصلی مخالفت خود با افزایش سن ازدواج می‌دانند.

رد نظریه خطر بالای مرگ برای مادران در سنین پایین

در حالی که سیاوشی عنوان کرده این موضوع مخالفانی در کشور دارد اما با شورای فرهنگی اجتماعی زنان در مورد ممنوعیت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال به توافق رسیده است، کبری خزعلی، عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان با رد کردن این ادعا اظهار کرده که «با وجود فشار زیاد معاونت امور زنان ریاست جمهوری و فراکسیون زنان مجلس و هم چنین تصریح نهادهای بین المللی به تغییر قانون سن ازدواج در کشور، این امر مورد اقبال عمومی واقع نشد».

خزعلی همچنین گفته است: در حمایت از تغییر قانون سن ازدواج دلایلی همچون آمار بالای طلاق در این سن، خطرات پزشکی برای مادران در این سن، ازدواج این گروه سنی با افراد دارای سن بالای میانسالی و پیری و ...مطرح شده اما با توجه به آمار رسمی کشور بسیاری از این ادعاها رد شد و هم چنین جمع کثیری از پزشکان نظریه خطر بالای مرگ برای مادران در سنین پایین را رد کرده‌اند و این آمار را شامل فقط ۱ درصد از مرگ و میر مادران دانسته‌اند که بسیاری از آن‌ها به دلیل وجود بیماری زمینه‌ای و ... بوده است و علیرغم تمام موضع گیری‌های اشتباه پزشکی از سوی برخی افراد، کسانی که در سنین زیر ۲۰ سال مادر می‌شوند در برابر سرطان‌های زنانه از سلامت بیشتری برخوردارند. با توجه به اینکه اخیراً مرکز پژوهش‌های مجلس طی تحقیق گسترده خود تغییر قانون را لازم ندانسته و بسیاری از ادعاهای حامیان تغییر قانون سن ازدواج را رد کرده است، این مساله را می‌توان مهر تأیید دیگری بر عدم لزوم تغییر قانون فعلی دانست.

عوارض احتمالی بارداری در سنین زیر ۱۸ سال

با این وجود جمیله رضازاده، پزشک مشاور ژنتیک در میزگردی که ایسنا با موضوع کودک همسری برگزار کرد، با اشاره به اینکه مشاوره‌های ژنتیک سن زیر ۱۸ سال را برای ازدواج توصیه نمی‌کند، گفته: بهترین سن ازدواج بین ۱۸ تا ۲۵ سال و حداکثر ۳۰ سال است. ازدواج زیر ۱۸ سال برای بارداری بسیار خطرناک است، تولد کودکان کم وزن که زمینه‌ای برای اختلالات ژنتیک است، ایجاد معلولیت‌ها و زایمان زودرس از عوارض بارداری مادر در سن کم‌تر از ۱۸ سال است.

این پزشک مشاور ژنتیک به علت یابی ازدواج کودکان پرداخت و اظهار کرد: براساس مشاهدات در مشاوره ژنتیک، علت این گونه ازدواج‌ها، تفکرات بومی افراد و یا برداشت‌های اشتباه از تأخیر در ازدواج است.

رشد ناکافی لگن زنان و احتمال زایمان سزارین در دختران زیر ۱۸ سال سن

همچنین محبوبه شیرازی، متخصص زنان نیز درباره عوارض احتمالی بارداری در سنین زیر ۱۸ سال، تاکید کرده بود که ممکن است دختران در سنین کمتر از ۱۸ و ۲۰ سالگی و گاهی ۲۵ سالگی به بلوغ فیزیکی نرسند؛ که این مسئله عوارضی در این دوران خواهد داشت. همچنین ممکن است به دلیل رشد ناکافی لگن زنان، این موضوع مانع زایمان طبیعی شود و یا به دلیل نامرتب بودن عادت ماهیانه در سنین پایین، افراد کم خون باشند.

این متخصص زنان بیان کرده که در سنین کمتر از ۱۸ سال استخوان‌ها نیاز به تکامل و ایجاد ذخیره استخوانی دارند تا بعد از ۵۰ سالگی که برداشت کلسیم از استخوان‌ها آغاز می‌شود به مشکل برنخورند. با توجه به این موضوع وقتی بارداری در سنین پایین اتفاق می‌افتد، ذخیره استخوانی مادر به سمت جنین می‌رود. همچنین احتمالاً مادر از نظر روحی و روانی آمادگی بارداری ندارد و بالغ نیست.

به گزارش ایسنا، ایران که یکی از کشورهای عضو پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک بوده این پیمان نامه را در تاریخ ۱۴ شهریور ماه ۱۳۷۰ امضاء کرد و مجلس آن را در اول اسفند ماه سال ۱۳۷۲ به تصویب رساند.

باتوجه به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک که یک کنوانسیون بین‌المللی است در آن حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کودکان بیان شده و طبق آن، افراد زیر سن ۱۸ سال کودک به شمار می‌روند.

در ماده ۶ این پیمان نامه آمده: کشورهای طرف کنوانسیون حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت خواهند شناخت؛ همچنین کشورهای طرف کنواسیون ایجاد حداکثر امکانات را برای بقا و پیشرفت کودک تضمین خواهند کرد.در ماده ۹ نیز گفته شده کشورهای طرف کنوانسیون تضمین می‌کنند که کودکان علیرغم خواسته‌شان از والدین خود جدا نشوند، مگر در مواردی که مقامات ذیصلاح مطابق قوانین و مقررات و پس از بررسیهای قضایی مصمم شوند که این جدایی به نفع کودک است. این گونه تصمیمات ممکن است در موارد به خصوصی از قبیل سوءاستفاده و یا بی‌توجهی والدین کودک و یا هنگام جدا شدن والدین از یکدیگر ضرورت یابد و در این صورت باید در مورد محل اقامت کودک تصمیمی اتخاذ شود.

لازم به ذکر است که ایران در تصویب کنوانسیون حق شرط خود را اینطور مطرح کرده که دولت جمهوری اسلامی ایران این حق را برای خود محفوظ می‌داند که مفاد یا بندهایی از پیمان‌نامه را که در تعارض با قوانین اسلامی و قوانین داخلی باشد، به اجرا درنخواهد آورد. اگرچه ۱۰ کشور دیگر اسلامی نیز حق شرط مشابهی را بر پیمان‌نامه داشته‌اند اما حق شرط ایران بیشترین اعتراض را در تاریخ این کنوانسیون در پی‌داشته اما باید توجه داشت که این شرط مشخص نخواهد کرد که ایران چه استانداردهایی از حقوق بین المللی کودکان را رعایت خواهد کرد و کدام یکی از حقوقها با قوانین اسلامی متعارض است.

با این وجود فعالان حقوق کودک به دلایل آسیبهای اجتماعی و پایمال شدن حقوق کودکان با این پدیده به شدت مخالف هستند و معتقدند کودک همسری نوعی کودک آزاری جنسی است که با امتداد ازدواج کودکان در جامعه، کشور به جامعه‌ای نابالغ تبدیل خواهد شد.

یک فعال حقوق کودک: مخالفان طرح افزایش سن ازدواج، آن را ژستی غربی می‌دانند

مونیکا نادی، یکی از فعالان حقوق کودک در گفت‌وگویی با ایسنا، با اظهار خرسندی از طرح «کودک همسری» که حداقل سن ازدواج برای دختران به ۱۶ سال افزایش می‌یابد وازدواج در سنین زیر ۱۳ سال مطلقاً ممنوع خواهد شد، گفت: متاسفانه بسیاری از مخالفین با این طرح معتقدند که این طرح تقلیدی از دیدگاههای غربی است و آن را یک ژست بین‌المللی تلقی می‌کنند اما موضوع اصلی در این خصوص، نقض حقوق اساسی کودکان در کودک همسری است. نادی با اشاره به برخی مخالفت‌ها نسبت به طرح «کودک همسری» و افزایش سن ازدواج گفت: افرادی هستند که بعضاً با استناد به دلایل شرعی در برابر افزایش سن ازدواج مخالفت دارند و معتقدند که در شرع محدودیت در سن ازدواج وجود ندارد اما خوشبختانه ارائه کنندگان این طرح مشکلات شرعی را برطرف کرده‌اند و از فتاوی فقهای معتبر معاصر که بلوغ عقلی را ملاک ازدواج قرار داده‌اند بهره جسته‌اند. فتاوی که باتوجه به مقتضیات زمانی امروز، قواعد را تعبیر و تفسیر کرده است.

کودکان توانایی تحلیل و ارزیابی یک ازدواج را ندارند

وی افزود: همچنین برخی از مخالفان معتقدند که کودکان با بلوغ جنسی باید نیازهای خود را از طریق ازدواج برطرف کنند این درحالیست که از لحاظ اقلیمی و زیست محیطی شرایط بلوغ جنسی نسبت به قبل کاملاً متفاوت شده و نمی‌توان سن مشخص را ملاک کلی برای همه کودکان دانست. برخی از این مخالفان نیز بر این باورند که این ازدواجها با رضایت کودکان و برای رفع نیازهای جنسی است در حالیکه با کمی واقع بینی متوجه خواهیم شد که کودکان از نظرعلمی به بلوغ عقلی نرسیده و توانایی تحلیل و ارزیابی یک ازدواج را ندارند. نادی با اشاره به طرح کودک همسری که حداقل سن ازدواج برای دختران را به ۱۶ سال افزایش داده است، افزود: این طرح به طور قطع، مثبت ارزیابی می‌شود زیرا با پیمان نامه جهانی حقوق کودک که ایران هم به آن پیوسته است سازگاری بیشتری دارد. طبق پیمان نامه افراد زیر ۱۸ سال کودک تلقی می‌شوند و دولتهای عضو ملزم هستند تا منافع عالیه آنان را تأمین کنند.

کودک همسری با حقوق اساسی کودکان متعارض است

این فعال حقوق کودکان اظهار کرد: کودک همسری با حقوق اساسی کودکان متعارض است چراکه حق کودکی را از آنان سلب می‌کند و همچنین حق رشد و بقا کودک را در خطر قرار می‌دهد و حتی ممکن است مانع تحصیل وی نیز گردد به همین دلیل ازدواج کودک مغایر با حقوق اساسی کودکان طبق پیمان نامه است و باید نسبت به رفع این معضل تدابیر قانونی اتخاذ شود.

نادی در پایان سخنان خود اظهار امیدواری کرد تا تبعات پدیده کودک همسری توسط مخالفان دیده شود و راه تصویب این طرح و اجرایی شدن آن به کمک همه مسئولین و فعالان اجتماعی و رسانه‌ها هموارد گردد تا امکان بهره مندی کودکان از حق کودکی‌شان فراهم شود.

خطر کاهش جمعیت در آسیا

نگرانی پیشین که برخاسته از رشد انفجاری جمعیت در جهان بود، جای خود را به نگرانی‌های ناشی از کاهش جمعیت در بسیاری از کشورها داده است؛ نگرانی‌ای که تنها به کشورهای اروپایی محدود نمی‌شود، بلکه چین و کشورهای توسعه‌یافته دیگر آسیا، نظیر ژاپن را نیز در بر می‌گیرد. مشکلات ناشی از تحولات دموگرافیک (جمعیت‌شناختی) دو جنبهٔ متفاوت را شامل می‌شوند. نخست اینکه نرخ رشد جمعیت در بسیاری از کشورها کاهش یافته و از سوی دیگر همراه با افزایش طول عمر انسانها، شمار شهروندان سالمند در مقایسه با تعداد کودکان و جوانان رو به افزایش است. همین دو موضوع به چالشی بزرگ برای آینده سامانه‌های اجتماعی در کشورهای پیشرفته بدل شده است. دلیل اصلی این تحول به نرخ تولد در جوامع پیشرفته صنعتی و کشورهای تازه‌صنعتی شده (به استثنای هند) برمی‌گردد. در این کشورها، شمار فرزندان هر زن به کمتر از ۲، ۱ کودک رسیده است. این در حالی است که این میزان زاد و ولد برای حفظ جمعیت یک کشور ضروری است.

دولت‌ها برای تأثیر نهادن بر نرخ زاد و ولد در کشورهای مختلف از سیاست‌های مختلفی پیروی می‌کنند. این در حالی است که ارزیابی دقیق نتایج سیاست‌های ناظر بر تنظیم خانواده در این کشورها بسیار دشوار است.

چین و سیاست تک فرزندی

جمهوری خلق چین پس از دوره مائو، سیاست «یک خانواده، یک کودک» را تصویب کرد. علت اتخاذ این تصمیم تضمین آن رفاه اجتماعی بود که دنگ شیائوپینگ در چین دنبال می‌کرد. اما پس از گذشت چند دهه از اجرای آن سیاست، برنامه‌ریزان جمهوری خلق چین به این نتیجه رسیدند که کاهش نرخ رشد جمعیت می‌تواند دشواری‌های اجتماعی بسیاری را در پی داشته باشد.

از این رو، چین در سال ۲۰۱۵ رسماً از سیاست یک خانواده یک کودک فاصله گرفت. البته در همان ایام نیز، سیاست یک خانواده یک فرزند به علت استثناهایی که دولت قائل شده بود عملاً تبدیل به یک و نیم فرزند به ازای هر خانواده شده بود.اکنون به نظر می‌رسد که دولت چین تصمیم دارد هرگونه محدودیتی درباره تعداد فرزندان را لغو کند. در طرح جدید حقوق خانواده دولت چین که قرار است در سال ۲۰۲۰ تصویب شود، رفع هرگونه محدودیتی برای تعداد فرزندان یک خانواده پیش‌بینی شده است.

سیاست تنظیم خانواده در هند

هند نیز از یک جمعیت جوان برخوردار است. اما نبود امکانات کافی شغلی مانع از بهره‌گیری دولت هند از این «سرمایه اجتماعی» می‌شود.نشریه «اکونومیست» درباره هدر رفتن این جمعیت جوان و فعال در هند هشدار داده است. یکی از دلایلی که منجر به هدر رفتن این «سرمایه اجتماعی» در هند می‌شود، ناتوانی دولت هند در ایجاد فرصت‌های شغلی است.نرخ رشد اقتصادی در هند رو به کاهش نهاده است. از سوی دیگر، استفاده از راهکارهای اتوماتیزاسیون در تولید، و همچنین نبود امکانات آموزشی کافی و کاهش میزان اشتغال در اقتصاد کشاورزی هند نیز از دیگر دلایل مؤثر در این موضوع اعلام شده است.

در مجموع جمعیت هند در حال افزایش است اما با تفاوت‌های چشمگیری در مناطق مختلف و در بین اقشار اجتماعی گوناگون.به‌رغم گرایش نزولی رشد جمعیت در هند، شمار ساکنان این کشور در قیاس با کشورهای چین و ژاپن از رشد بالایی برخوردار است. حتی پیش‌بینی شده است که میانگین تعداد فرزندان هر خانواده هندی تا سال ۲۰۴۰ کماکان بیش از ۲، ۱ کودک باشد و تنها پس از آن سال رو به کاهش نهد.

ژاپن و جمعیت پیر

جمعیت ژاپن در مجموع پیر است. یک چهارم جمعیت این کشور ۶۵ سال و بیشتر سن دارد. لایه‌های سالمند در جمعیت ژاپن در قیاس با سایر اقشار سِنی رو به افزایش است.پیش‌بینی شده است که تعداد جمعیت ژاپن از ۱۲۸ میلیون نفر در زمان حال به ۱۱۲ میلیون نفر در سال ۲۰۴۵ کاهش یابد.در سال ۲۰۰۵ دولت ژاپن نهاد مربوط به افزایش نرخ رشد جمعیت را راه‌اندازی کرد. کارشناسان سال‌ها پیش طرح‌هایی در ارتباط با کاهش محدودیت‌های ناظر بر ازدواج در ژاپن را به مسئولان این کشور پیشنهاد داده بودند.حتی از حمایت و پشتیبانی مالی برای یافتن شریک زندگی سخن به میان آمده بود. اما همهٔ این اقدامات و طرح‌ها نیز نتوانسته است باعث رشد جمعیت در ژاپن شود.

سیاست خانواده در ایران

بنابر گزارش دویچه‌وله، ایران نیز همچون چین با کاهش قابل ملاحظه زاد و ولد روبه‌رو است. در ایران کاهش نرخ رشد جمعیت حتی بدون اجرای سیاست یک خانواده، یک کودک روی داده است.در دوران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، به رغم اجرای برنامه تنظیم خانواده از سوی دولت، رشد شمار اعضای خانواده‌ها متأثر از این برنامه‌ها نبود.اما پس از پیروزی انقلاب میانگین تعداد کودکان یک زن در ایران حدود شش نفر بود. متوسط تعداد فرزندان هر خانواده در ایران در سال‌های دهه ۶۰ شمسی (۸۰ میلادی) و در دوران جنگ تحمیلی، حتی به شش و نیم کودک افزایش یافت. با این حال پس از جنگ تحمیلی، جامعه با یک قشر وسیع از جوانان روبه‌رو شد که اقتصاد قادر به جذب آن‌ها نبود و همین موضوع مشکلات اجتماعی جدیدی را در پی داشت.پس از آن سیاست‌های متفاوتی در باب تنظیم خانواده در ایران در پیش گرفته شد و اکنون این کشور در پی اجرای برنامه‌هایی برای جبران کاهش رشد جمعیت است.بر اساس ارزیابی کارشناسان زمینه‌های رشد جمعیت در ایران فراهم است. حتی امکان افزایش بخش فعال جامعه به نسبت کل جمعیت نیز وجود دارد. اما برای آنکه دولت بتواند از این شرایط مثبت به سود افزایش جمعیت بهره‌گیری کند، می‌بایست شرایط و امکانات اجتماعی لازم را فراهم آورد.

امید صلح

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
زهره دیانی
زیر نظر شورای سردبیری
مدیربازرگانی: **فاطمه دیانی**
عکس: **استودیو برنز**

هفته نامه سیاسی - اقتصادی

آدرس: خیابان شریعتی- خیابان پلیس پلاک ۳۰-واحد۱
تلفن: ۸۶۰۲۲۷۷۸ - فکس: ۸۸۱۴۷۳۹۰ سامانه پیامکی: ۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸
چاپ: گل آذین
آیین نامه اخلاق حرفه ای «امید صلح» در سایت این هفته نامه به آدرس ذیل قابل رویت است
www.solhpaidar.ir
Solhpaidar2017@gmail.com

دو شنبه ۱۲ شهریور ۱۳۹۷/ شماره هفدهم

تلخند

بازگشت چنگیزخان مغول به ایران!

مجید مرسلی

در حالی که تقاضا برای واردات گوشت حلال از سوی ایران افزایش یافته است، شرکت کشتارگاهی کونتوگوان آجای مغولستان امیدوار است بتواند با ایجاد یک مرکز ذبح اسلامی، صادرات گوشت به ایران را آغاز کند.

گنده‌ترها چون که پا پس می‌کشند
می‌رسد نوبت به افراد دگر
آب دارد رو به بالا می‌رود
قورباغه گشته حالا شیر نر!
هست در آنجایشان شادی به پا
چون که در راه است کلی بار و بر
حال می‌خوانند هی بشکن زنان
شادمانه کفتر کاکل به سر
گوسفندانی که روی دستشان
مانده بود از سالهای پیش‌تر
حال می‌خواهند که صادر کنند
تا که گردد مایه سود و ثمر
از مغول‌ها تحفه می‌آید کنون
گاوهای ماده و هم گاو نر
شاد گشته روح چنگیز مغول
چون که در برزخ شنیده این خبر
رفته در خواب وزیر دامشان
گفته با او اندکی هم با تشر:
این که‌ای احمق مبادا یک زمان
فرصت خوبی چنین، گردد هدر
خاک عالم بر سرت افتاده‌ای
از چه روی تخت خواب خود دمر؟!
جاده آماده است برخیز و سریع
با گروه خویش راهی شو سفر
زود امضا کن توافق نامه را
بی جدال و بحث، خیلی مختصر
کاشکی من زنده بودم تا خودم
بسته بودم بر چنین کاری کمر
سود سرشاریست در این معامله
کشور ما می‌شود زیر و زبر
گاوها پیرند، می‌میرند و ما
می‌کنیم از مرگشان کلی ضرر
گاوهای لاغر و فرتوت را
ابتدا باز کن فوری ز سر
ذبح اسلامی اگر که خواستند
از خود آنها بیاور کارگر
نانمان در روغن افتاده اگر
در تو باشد قد یک ارزن هنر

گردشگری

گران‌ترین کشور اروپایی را بشناسید

برخلاف تصور اکثر مردم، این ایسلند و نه سوئیس است که گران‌ترین کشور اروپایی از نظر هزینه‌های زندگی است.به گزارش مرکز آمار اتحادیه اروپا، در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا، سطح قیمت‌های کالا و خدمات برای مصرف‌کنندگان تا پایان سال ۲۰۱۷ در دو کشور دانمارک و لوکزامبورگ از همه بالاتر بوده و هزینه زندگی در این دو کشور ۴۱ درصد بیشتر از متوسط هزینه زندگی در اتحادیه اروپا بوده است. پس از این دو کشور نیز سوئد (۳۵ درصد بالاتر از متوسط اتحادیه اروپا)، ایرلند (۲۸ درصد بالاتر از متوسط اتحادیه اروپا)، فنلاند (۲۳ درصد بالاتر از متوسط اتحادیه اروپا) و انگلیس (۱۷ درصد بالاتر از متوسط اتحادیه اروپا) قرار دارند.از سوی دیگر بلغارستان ارزان‌ترین هزینه زندگی در بین کشورهای عضو اتحادیه اروپا را داشته است (۵۶ درصد کمتر از متوسط اتحادیه اروپا) و پس از این کشور، رومانی (۵۶ درصد کمتر از متوسط اتحادیه اروپا)، لهستان (۴۷ درصد کمتر از متوسط اتحادیه اروپا)، مجارستان (۴۲ درصد کمتر از متوسط اتحادیه اروپا) و لیتوانی (۴۰ درصد کمتر از متوسط اتحادیه اروپا) قرار دارند.هم چنین به تفکیک هزینه‌های مختلف، دانمارک در بخش‌های رستوران و هتلداری، غذا، فرهنگ و آموزش، حمل‌ونقل و لوازم منزل گران‌ترین کشور برای زندگی است و ایرلند از نظر هزینه‌های نوشیدنی و تنباکو، لوکزامبورگ از نظر هزینه‌های آب و برق و گاز، یونان از نظر هزینه ارتباطات و سوئد از نظر هزینه لباس گران‌ترین کشورهای اروپایی هستند.

کارتون

واکنش طنز مردم به اظهارات روحانی در مجلس! / مسعود ماهینی

اظهار نظر رئیس جمهور در مجلس مبنی بر اینکه در کشور بحران نداریم و در مرحله آسیب هستیم.

شبکه‌های اجتماعی و نشانه‌های افسردگی

مائده پروین

از حدود نیم قرن گذشته که رسانه‌های دیجیتال پا به عرصه ظهور گذاشتند تا به امروز که اسکرول کردن تایم‌لاین شبکه‌های اجتماعی و دنبال کردن صفحات مجازی جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره ما شده، زمان زیادی نگذشته است، اما این سیر صعودی چنان پر شتاب و با سرعت طی شد که تا به خود آمدیم در محاصرهٔ انفجار رسانه‌ها قرار گرفته بودیم، بی‌کلاه‌خود و بی‌سپر. اگرچه بخش قابل توجه دستاوردهای این رسانه‌ها بی‌بدیل و غیرقابل انکار است، نمی‌توان از آثار مخرب آن‌ها بر سلامت روان چشم‌پوشی کرد. قرار گرفتن مداوم در معرض رسانه‌های دیجیتال، علاوه بر آن‌که باعث بروز مشکلات روان‌شناختی جدی در حوزهٔ توجه و شناخت می‌شود، زمینهٔ بروز افسردگی در نوجوانان و افراد بزرگسال را فراهم می‌کند.

مواجهه روزانه با محتوای ارائه شده در این دست رسانه‌ها، محتوایی که به نظر می‌رسد واقعی‌تر از واقعیت باشد، موتور محرک افسردگی را که اضطراب است به کار انداخته و در نهایت، باعث بروز علائم افسردگی در فرد می‌شود. چنین محتواهایی هر قدر کامل و با جزییات ارائه شوند، باز هم بخشی برش خورده و تقطیع شده از واقعیت‌اند. زمانی‌که محتوا از بافت خود جدا شده و مستقلاً ارائه می‌شود بیشتر از زمانی که ما آن را در بافت حقیقی زندگی خود تجربه می‌کنیم اضطراب‌زاست. در این رابطه مثالی از یک تجمع سراسری را در نظر بگیرید.

شما به عنوان یک فعال اجتماعی برای ایجاد فشار در جهت تصویب یک قانون حمایتی در یک تجمع چند صدهزار نفری برنامه‌ریزی شده شرکت می‌کنید و دست به اعتراض و راهپیمایی می‌زنید. در بخش‌هایی از این تجمع بزرگ، درگیری‌هایی رخ می‌دهد و منجر به خشونت و در نهایت دخالت پلیس می‌شود. میزان اضطراب چنین حضوری را مقایسه کنید با زمانی که به عنوان یک کاربر عادی در حال اسکرول کردن فید یک شبکه اجتماعی هستید و یک فیلم کوتاه چندثانیه‌ای از صحنهٔ آن درگیری‌ها می‌بینید یا زمانی که در حال چک کردن سایتی خبری هستید و خبری کوتاه دربارهٔ به درگیری انجامیدن آن تجمع اعتراضی می‌خوانید. این اخبار و محتواها می‌بایست آن‌چه را در آن تجمع رخ داده منتقل کند، اما آن‌چه شما به عنوان «حاضر» در تجمع تجربه کرده‌اید با آن‌چه یک کاربرِ «ناظر» تجربه کرده یکسان و برابر است؟ اخبار و محتواها، همگی چیزی دربارهٔ واقعیت‌اند نه خود واقعیت. چنان‌چه تجمع و درگیری واقعیت بودند اما در این اخبار صرفاً به گزارشی دربارهٔ واقعیت تقلیل داده شده‌اند. گزارشی که در آن خبری از بافت، جو روانی، پیش‌آیندها و غیره نیست. واقعیت آن‌چیزی است که ما در بافتار زندگی خود، هر آن در حال تجربه کردن هستیم، که اگرچه اضطراب زاست، اما تحت کنترل قوه شناخت و دفاع‌های روانی ما برای مقابله با اضطراب است. درست برخلاف اخبار تقطیع شده و ظاهراً فراواقعی که همگی از حوزهٔ کنترلی ما خارج است و بنابراین میزان اضطرابی که ممکن است برانگیزاند به مراتب چیزی بیش از مورد قبلی است.

دنیای مدرن، دنیایی اضطراب‌زاست و ما هجمهٔ آن را هر روز و هر روز در زندگی خود به وضوح حس می‌کنیم و با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. رسانه‌ها و محتواهای فراواقعی نیز مختصات این دنیا هستند. به مدد رسانه‌ها، ما از وقایعی مطلع می‌شویم که در آن حضور نداشته‌ایم، به تماشای فیلم‌هایی می‌نشینیم که اگرچه صحنه‌هایی آشنا دارند، اما در زندگی ما با چنان کیفیتی رخ نداده‌اند، عکس‌ها و ویدیوهایی را لایک می‌کنیم که شادتر، صمیمی‌تر، موفق‌تر، دلپذیرتر و هیجان‌انگیزتر از زندگی ما هستند و در این فرآیندِ ناخودآگاهِ مقایسهٔ واقعیت خود با فراواقعیت آن‌سوی رسانه‌ها، آن‌چه عاید ما می‌شود اضطراب و در نهایت نشانه‌های افسردگی است که می‌تواند در یک طیف ضعیف تا شدید ظاهر شود. روشن است که زندگی در یک فضای ایزولهٔ رسانه‌ای در دنیای امروز، نه ممکن است و نه عقلانی، درست همان‌طور که غرق شدن در چنین فضای اضطراب‌زایی نادرست به نظر می‌رسد.

در سطح کلان، آموزش و پرورش به عنوان متولی امر آموزش می‌بایست با فاصله گرفتن از آموزش سنتی و ناکارآمد و محتواهای غیرکاربردی، توجه ویژه‌ای به آموزش‌هایی در این زمینه که به طور عجیب و خطرناکی در کشور ما مغفول مانده است، داشته باشد. مدیریت استفاده از رسانه و تنظیم هیجانات ناشی از آن، برخلاف آن‌چه احتمالاً متولیان آموزش معتقدند و بر خلاف آن‌چه در مراحل رشدی کودک مانند مکیدن، غلت‌زدن، راه رفتن، حرف زدن و غیره رخ می‌دهد و در ذخیره ژنتیکی هر فرد سالمی موجود است، یک مهارت است و نیاز به آموزش در سنین مدرسه دارد. در سطح فردی نیز لازم است دید خود را به رسانه از یک وسیله سرگرمی به یک امکانِ ارتباطی و حرفه‌ای تغییر دهیم. اصلاح سبک زندگی و استفاده از رسانه‌ها به تناسب نیازهای حقیقیِ شخصی و حرفه‌ای به منظور به حداقل رساندن آثار مخربی که ذکر آن پیش از این رفت، راه‌گشا به نظر می‌رسد.

تکلیف قرض‌الحسنه را روشن کنید

غلامرضا فدایی

در شرایط عادی کسی به کسی پول می‌دهد تا مشکلاتش را حل کند اما پس از آن مدت باید آن پول، همان ارزشی را داشته باشد که روز نخست تحویل شده است.

از ربا نمی‌گویم که اسلام آن را حرام کرده است و جامعه را به بیچارگی می‌کشاند و البته عده‌ای همچنان با نرخ روز و افزایش سرسام‌آور به آن ادامه می‌دهند. از بانک‌ها نمی‌گویم که خود باعث و بانی بسیاری از این نابه‌هنجاری‌های اقتصادی و اجتماعی‌اند. از سید جمال اسدآبادی یاد نمی‌کنم که می‌گفت البانک و مالبانک و ما ادراک مالبانک! از سوداگری بانک‌ها نمی‌گویم که به جای خدمت به مردم و پرداخت تسهیلات به تولید واقعی، به فکر درآمد و خرید مستغلات برای خود هستند. هر از گاهی مؤسسه‌ای برای خود مجوز تأسیس بانک می‌گیرد که تازه اگر اختلاس و فرار نکند باید خیلی از آن ممنون شد. از عدم استقلال بانک مرکزی و عدم اشراف بر بانک‌ها و مماشات با آن‌ها نمی‌گویم که چه بر سر کشور می‌آورد. از سوءاستفاده و یا حسن استفاده بانک‌ها نمی‌گویم که در این آشفته‌بازار ارزیِ به وجود آمده در کشور، عده‌ای گفتند که خود این بانک‌ها عامل افزایش نرخ ارز بودند تا با فروش دلارها و یا سکه‌هایشان ضررهای انباشته‌شان را که از طریق عدم وصول بدهی‌های افراد سودجو و یا خرید مستغلات به دست آمده است، جبران کنند و ای‌کاش اگر جبران می‌کنند پس از آن به صراط مستقیم بیایند و وظایف خودشان را انجام دهند و نه این که باز به همان روال سابق ادامه دهند.حتی بهره‌هایی که به مردم می‌پردازند هم چه بسا تحت تأثیر این نوسانات ارزی قرار گیرد که به خاطر بی‌تدبیری صورت می‌گیرد. و خلاصه از این آشفته بازار ارزی و ریالی که عموماً معتقدند عامل اصلی آن داخلی است تا این که خارجی باشد، بحثی به میان نمی‌آورم.

من فقط به مردم عادی و مؤمنی کار دارم که از سر اخلاص و مهربانی و برای راه‌اندازی کار هم‌وطنان، خویشان و برادران خود می‌خواهند کار خیر کنند. اما پولی که قرض می‌دهند نه تنها پس از چند ماه، بلکه در عرض چند روز ممکن است به نصف و یا بیشتر تقلیل پیدا کند. آیا باید همان پولی را که با آن دیگر نمی‌تواند نیمی از مایحتاج خود را با آن رفع کند پس بگیرد؟ ربا حرام است به جای خود، ولی کسی که پول قرض می‌دهد باید همان پول را با همان ارزش اولیه پس بگیرد، اگر چنین نشد چه کسی مسئول است؟ آیا دیگر به این می‌شود گفت قرض‌الحسنه. حالا تازه باید اگر کسی عین آن را دریافت کند از قرض گیرنده ممنون شد که اصل پول را پس می‌دهد.

پول در شرائط فعلی کشور ما مانند یخ در دست است که دارد آب می‌شود و شما نمی‌دانید با آن چه کنید. چه کسی در این زمینه مسئول است؟ آیا عدم تدبیر، آیا پراکنده‌گویی بعضی‌ها، آیا دست دشمن، آیا رانت‌خواری‌ها و خاصه‌خرجی بعضی‌ها و یا... در هر حال این مردم بیچاره‌اند که به خاک سیاه می‌نشینند و چاره‌ای در پیش رو نمی‌بینند و طبقه متوسط به فقیر تبدیل و فقیر نابود هم می‌شود و ...

شما در بسیاری از کشورها می‌بینید که سال‌هاست که بسیاری از مایحتاج مردم همان نرخ سابق را دارد. از آمریکا و سایر کشورها نمی‌گویم همین عربستان جنگ‌افروز اگر کرایه اتوبوسش از سال‌ها قبل یک ریال بوده است ظاهراً هم اکنون هم یک ریال است!

به نظر می‌رسد فقها در امور اقتصادی بسیار کار دارند و تنها این نیست که بنشینند و بگویند ربا حرام است که هست و مصادیق آن را هم به عهده خبرگان فن بگذارند و یا به مسائل عبادی مردم کار داشته باشند. باید در بسیاری از مسائل از جمله قرض‌الحسنه به راهکار بیندیشند.

با این وضعیت مؤسسات قرض‌الحسنه هم نمی‌توانند کار کنند و اگر مقداری را به عنوان کار مزد می‌گیرند، ولی کجا می‌توانند مشکلات صندوق را با آن حل کنند تا چه رسد که هزینه افرادی که وقتشان را در آن‌جا سپری می‌کنند بپردازند. دولت‌ها در این زمینه مسئولند. آن‌هایی که باعث می‌شوند ارزش پول ملی تقلیل پیدا کند. آن‌هایی که ذخایر کشور را به باد می‌دهند و تازه نه تنها توبیخ نمی‌شوند که مورد تشویق قرار می‌گیرند، و به قول بعضی‌ها به آن‌ها پست جدید می‌دهند و یا به دیاری می‌فرستندشان که قبلاً زن و بچه‌شان در آن‌جا مستقر شده‌اند. این‌جاست که مسائل اقتصادی روابط اجتماعی را هم برهم می‌زند و افراد خیِّر را از انجام امور خیر بازمی‌دارد.

حاکمانِ ناپارسا، جامعه را دچار سرکشی می کنند

رضا دانشمندی

دین‌گریزی در جوامع مختلف، علل متنوعی داشته و دارد. در متون دینی برای این پدیده عللی بیان شده است.

سرور پارسایان عالَم، امیرالمؤمنین، علی(ع) در خطبهٔ ۲۰۹ نهج‌البلاغه۱ می‌فرمایند: خدا بر پیشوایان دادگر واجب فرموده خود را با مردم ناتوان برابر نهند تا مستمندی تنگدست را به هیجان نیارند و به طغیان واندارند[ترجمهٔ مرحوم شهیدی]. (...کَیْلَا یَتَبَیَّغَ بِالْفَقِیرِ فَقْرُهُ). «تَبَیَّغُ» به معنای به‌هیجان آوردن و تهییج کردن است. برای نمونه، تبیغ دم، یعنی غلبهٔ خون، تبیغ ماء، جوش‌زدن آب در چشمه و تبیغ لبن، بسیار شدن شیر.

از این منظر، برای تبیین طغیان، سرکسی و نافرمانی مردمان در برابر اوامر الهی، نخست باید به سراغ حاکمان رفت، چراکه به تعبیر آیت‌الله عبداله جوادی‌آملی، ظاهر مردم، باطن مسؤولان است.

شگفت‌انگیزند کسانی که با وجود چنین آموزه‌هایی، همچنان عامل خارجی را علت‌العلل دین‌گریزی/ستیزی مردمان می‌دانند و انگشت اتهام‌شان مدام متوجه آن سوی مرزهاست.

با این حجم از اخبار اختلاس، رانت‌خواری، ریخت‌وپاش شازده‌ها/آقازاده‌ها و خودنماییِ «ژن‌های خوب»، اگر هنوز مردم حجابی دارند و برهنه! نیستند، معجزه است.

رقص آن دخترکان، روسری هواکردن آن بانوان، تشدید معضل پوشش (بدحجابی) و هر رفتار اجتماعی که یکی از علل آن سستی باورهای دینی است، بیش‌وپیش از آن‌که پیامد هجوم بدخواهان خارجی و خارج‌نشینان به باورهای مردم باشد، نتیجهٔ رفتار متناقض بعضی از حاکمان است که در حد «اضعف» که پیشکش، در حد «اوسط» جامعه هم زندگی نمی‌کنند.

طرفه آن که فرزندان‌شان حتی ریاکاری پدر را هم نیاموخته‌اند و آشکارا خروج از ساده‌زیستی و تبختر و «این منم طاووس علیین شده» سر می‌دهند و چه اثر گزنده، تهوع‌آور و ویران‌گری دارد این به‌رُخ کشیدن‌ها و گستاخانه سخن گفتن‌ها از «سفرهٔ انقلاب» و ...

۱ – امام علی(ع) در سفری به بصره، به‌عیادت یکی از یاران دیرین خود به‌نام «علاء ابن زیاد» رفتند. پس از گفت‌وگویی، علاء به امام می‌گوید: یا امیر المؤمنین، از برادرم عاصم بن زیاد به تو شکایت دارم که لباسی کهنه پوشیده و دل از دنیا بریده. حضرت او را می‌خواهند و می‌فرمایند: ای دشمنک جان خویش، شیطان پلید تو را به بیراهه کشیده، آیا به زن و فرزند خود رحم نکردی گمان می‌کنی خداوند چیزهای پاکیزه را بر تو حلال کرده آن گاه از این که از آن‌ها بهره‌مند شوی ناراضی است تو نزد خداوند بی‌مقدارتر از آنی که با تو این گونه رفتار نماید. عاصمِ تارک دنیا پاسخ می‌دهد: یا امیر المؤمنین، تو خود با لباس خشن و غذای ناگوار زندگی می‌کنید. مولای پرهیزکاران می‌فرمایند: قَالَ وَیْحَکَ، إِنِّی لَسْتُ کَأَنْتَ، إِنَّ اللّٰهَ تَعَالَی فَرَضَ عَلَی أَئِمَّةِ الْحَق الْعَدْلِ أَنْ یُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعَفَةِ النَّاسِ، کَیْلَا یَتَبَیَّغَ بِالْفَقِیرِ فَقْرُهُ.